

# میان و حیرت



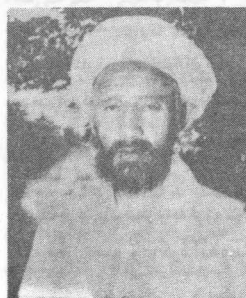
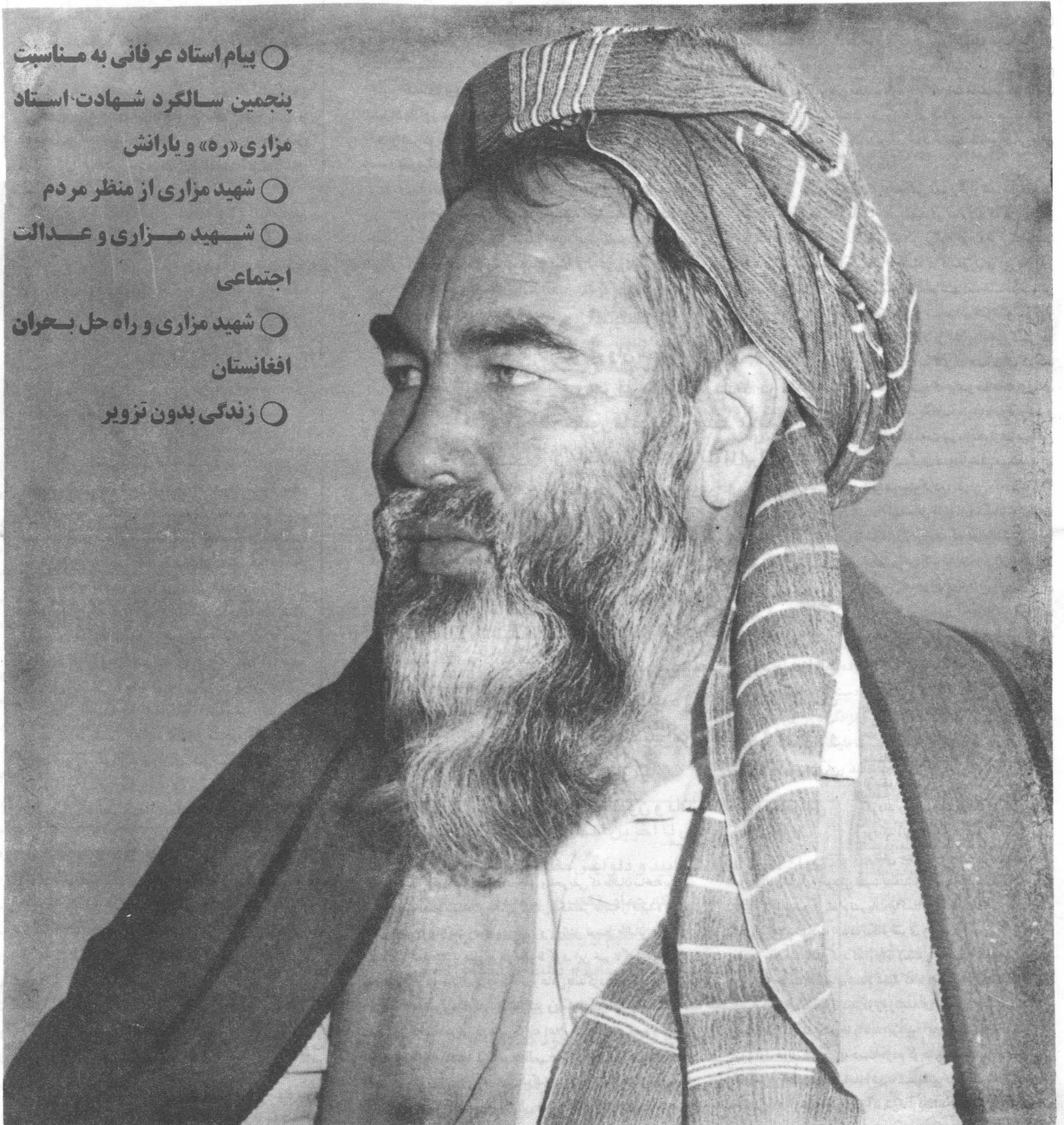
بنجمین سالگرد شهادت  
اسوهی مقاومت استاد مزاری  
ویاران با وفایش را تسلیت  
عرض می‌نماییم

هفته‌نامه‌ی سیاسی، اجتماعی، ادبی، خبری

● ۳ ذیحجه ۱۴۲۰ ● ۱۰ مارس ۲۰۰۰ ●

● سال اول ● شماره ۱۸ ● جمعه ۲۰ حوت (اسفند) ۱۳۷۸

- پیام استاد عرفانی به مناسبت
- بنجمین سالگرد شهادت استاد
- مزاری «ره» و یارانش
- شهید مزاری از منظر مردم
- شهید مزاری و عدالت
- اجتماعی
- شهید مزاری و راه حل بحران
- افغانستان
- زندگی بدون تزویر



یادداشت

سهم مغلوب از آن کیست؟

سیاست آمیزه‌ی زندانه‌ی از حقیقت و مصلحت است. تر ارباب سیاست همواره بر این فرمول استوار بوده است که عناصری از مصلحت را در کنار فاکتورهایی از حقیقت قرار دهند و اگر لازم بینند لعاب آرام و دلپذیر مصلحت را بر روی حقیقت بزنند تا تله‌ی‌های آن کاملاً محسوس نباشد و لباس لطیف به اصطلاح دوراندیشی را بر تن زب و زهفت حقیقت بپوشانند تا دشمنان تیزبین عوام الناس را در پروا نیارند.

این امر، در همین سطح قابل نگویش و سرزنش نیست. چون قاعده‌ی بازی قمار سیاست همین بکارگیری دو مهره‌ی متضاد «مصلحت اندیشی» ها و «حقیقت نگری» ها را خواستار است. اما آنچه مهم است درک دو مورد ذیل است:

۱- فرجام تفریق این دو مقوله و نقطه‌ای که عنوان کانون تأثیرگذاری را دارد، باید مشخص باشد. زیرا؛ بسیار است مواردی از حقیقت که «تبیین» و «ترسیم» آن ممکن است عاری از اشکال نباشد و حتی بیان آن ممکن است معضلاتی نیز به دنبال داشته باشد.

۲- سیاست، همیشه سیاست باقی نمی‌ماند و روزی تبدیل به تاریخ شده و به قفسه کتاب تاریخ می‌افتد و تاریخ، جوهرنگه حقایق است نه عرصه‌ی مصالح. وقتی حقیقت‌ها از پرده‌ی مصالح بیرون بیاید، سیاست هم رنگ و رخ می‌بازد.

مزاری شهنشاهی است که به عنوان حقیقتی در تاریخ چهارده ساله‌ی چهار تبارز کرده و واقعیتی را در سه سال پایداری در غرب کابل به نمایش گذاشت. ولی امروز چه‌رهی این مرد، می‌رود تا در حاله‌ای از مصلحت اندیشی‌ها بنواهد شود. آیا این موضوع، مثل هر موضوع دیگری نیاز به گذشت زمان دارد؟ آیا بازنده‌ی این تقابل سرانجام کدام یک خواهد بود؟ حقیقت یا مصلحت؟ سهم این دو در هنگام توزیع در این آشفته بازاری که کسی نمی‌تواند آن را پیش بینی کند، چه خواهد بود؟ آیا سهم مغلوب روزی از آن «مصلحت اندیشی» ها خواهد شد؟ سؤالی است که نه فقط زمان که نسل فردا نیز به آن جواب خواهد گفت. اما آنچه تاکنون مشاهده شده است، تراوم این دو مقوم به موازات هم بوده است و فعلاً هیچ نقطه‌ی تلاقی برای آنها به چشم نمی‌خورد و تنها تقابل است که امتداد یافته است. سردبیر

پیام تسلیت نمایندگی شورای نظامی

جناب آقای استاد عرفانی! معاون اول حزب وحدت اسلامی افغانستان و عضو شورای رهبری دولت اسلامی! فرا رسیدن پنجمین سالگرد شهادت اسطوره‌ی مقاومت و فداکاری، حضرت استاد مزاری و یاران فداکارش! که عمر پر برکت خویش را در سالهای جهاد و مبارزه علیه متجاوزین الحادی و ایادی استکبار صرف خدمت به ملت مظلوم و شهید پرور افغانستان نموده و در راه اعتلای کلمه‌ی الله رنج بی‌شماری را متحمل شدند و سرانجام به دست ناپاک گروهک طالبان شهید گردیدند، به حضرت عالی تسلیت عرض می‌نمایم. بدون شک شما یکی از وارثین برحق جهاد مردم افغانستان و هم‌رزم و هم‌سنگر آن شهید هستید که بیش از سه دهه است که مبارزه‌ی سرشار از موقیت، سالم اندیشی و دوراندیشی را پیشه‌ی خود قرار داده‌اید و دیدگاه بلند شما به همگان روشن است و همواره خواهان صلح و امنیت و حاکمیت مستقل در کشور و سرفرازی مردم افغانستان بوده‌اید.

از خداوند منان توفیق روز افزون را برای جناب عالی و غفران ابدی را برای آن شهیدان همیشه‌جاوید خواستاریم.

نمایندگی شورای عالی نظامی - مشهد

۱۳۷۸/۱۲/۱۶

# بازتاب شهادت استاد مزاری در پاکستان و آمریکا

● محقق افشار

نداشت که متجاوز از هفتاد هزار نفر به راه پیمایی پرداخته و تجمع نمایند. آیت‌الله شیخ زاده‌ی غزنوی که در روز غایبه‌ی غرب کابل از کابل حرکت کرده بود همان روز در کویته رسید در این مراسم سخنرانی کردند و بعضی مطالب تازه را از جنایات متعصب طالبان بیان کردند. پس از سپری شدن سه روز عزای عمومی تمام حسینیه‌ها و مساجد شهر کویته، هر یک به نوبه‌ی خود جلسات فاتحه خوانی برای استاد شهید و یارانش برگزار کردند.

در شهر پشاور و اسلام آباد مجالس مهم برگزار شد. شایان ذکر است که خبر درنداک شهادت رهبر شهید در تمام دنیا که هزاره‌ها و شیعیان بودند، موج ایجاد کرد و مجالس برگزار کردند و از شخصیت والای رهبر شهید تجلیل کردند. از جمله در کالیفورنیای آمریکا روز

جمعه - پنجم شهادت استاد، مجلس باشکوهی در مسجد امیرالمؤمنین - برگزار کردند و چون از علمای افغانی کسی در آنجا نبود، با کویته هم آهنگ کردند ساعت ۶ صبح که برابر ساعات اولیه‌ی شب در آمریکا است ارتباط برقرار شد و اینجانب به مدت نیم ساعت از طریق تلفن که از بلندگوی مسجد پخش می‌شد، برای آنها صحبت کردم.

از مسائل قابل توجه کیفیت شهادت استاد مزاری است که طالبان این عمل ننگین را مرتکب شدند و در اثر شکنجه و شکنستن استخوانهای بدن استاد و یارانش آنها را در چهار آسیاب به شهادت رساندند. عکس ایشان بعد از تسلیم اجساد در غزنی موجود است که شکنجه‌ی سر و پاها را نشان می‌دهد، اکثرشان زخم تیر در بدنشان نیست. ولی بعد از شهادت ایشان متوسل به دروغ و صحنه سازی شده، داستان هلی کوپتر را ساخته که صحنه‌ای از سقوط هلی کوپتر در غزنی درست کردند و... اما واقعیت غیر از چیزهایی بود که آنها ادعا می‌کردند. و طالبان برای پوشش جنایات خود و برای اینکه قتل

مزاری بزرگ را به خودش نسبت بدهند و او را عامل، قلمداد کنند، این دروغ را بافند و در تمام نشریات پاکستانی پخش کردند. در حالی که قبل از اعلام شهادت استاد، بنگاه خبری روتیر عکسهایی از استاد از طریق ماهواره پخش کرد که او را با دست و پای بسته نشان می‌داد و در روز ۲۲ حوت عکسهای استاد شهید که با دست و پای بسته در چهار آسیاب از وی گرفته بودند در روزنامه‌های سعودی پخش شده بود و مسافری که آن عکس‌ها را دیده بودند، آن روزنامه‌ها را خریده و در روز اول عزای عمومی به دست مردم کویته رساندند، در این حال روز شنبه، روز ششم شهادت استاد شهید کنفرانسی در کویته تشکیل شد که جمع زیادی از خیرنگاران در آن شرکت داشتند و عکسهای تکثیر شده با ورقه‌ی اصلی روزنامه‌ی سعودی در اختیار آنها قرار داده شد که ثابت شود؛ ادعای طالبان دروغی محض است و استاد شهید در چهار آسیاب شکنجه شده و به شهادت رسیده و این تصاویر که از عربستان و از روتیر پخش شده، گویای این حقیقت است. این ادعای طالبان که دستهای استاد در طیاره‌ی کدایی باز بوده و آنها به احترام مزاری، دستهای او را باز گذاشته بوده‌اند، با این عکسها و تصاویر مستند، همخوانی نداشت. که روز بعد وقتی این عکس و استدلالها در سراسر پاکستان پخش شد، قصه‌ی هلیکوپتر و... خاموش گردید.

در پنجمین سالگرد شهادت خونین و عروج ملکوتی و افتخار آفرین، رهبر محبوب و واقعی حزب وحدت اسلامی قرار داریم. شایسته است انعکاس خیر ناگوار شهادت استاد مزاری و یارانش را در خارج افغانستان بویژه در پاکستان و در بین مردم مخلص هزاره و شیعیان یاد آور شویم و فرازهایی از مراسم سوگواری مردم مهاجر و انصار شهر کویته را بازگو نماییم.

تجلیلی که مردم افغانستان و بیروان شهید مزاری از بیکر پاک آن رهبر قهرمان انجام دادند، در تاریخ کشور ما بی‌نظیر است. علاقه، ارادت و اخلاصی که ملت باوفا ابراز کردند، شگفت‌انگیز است، در فصل زمستان در موسم شدید سرما و یخبندان در یخچالهای طبیعی مناطق کوه بابا و هزارستان حدود نصد کیلومتر از غزنی تا بلخ از طریق بهسود و بامیان آن بیکر مظهر را به دوش و شانه‌های خود حمل کردند. مردان و زنان با چشمهای گریان، محله به محله آن شهید را تسبیح کردند و ابراز علاقه و اطاعت کردند که بعد از شهادت هم راهش را ادامه دهند و دادند ولی...

هنگامی که خبر دستگیری استاد شهید در کویته پخش شد، مردم سراسیمه از کوجه و پس کوجه‌ها در میان جاده‌های اصلی سرازیر شدند و در ظرف چند دقیقه، «امام بارگاه» و دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی مملو از جمعیت محبان استاد مزاری شد. با دلهره و احساسات بسیار، قضیه را دنبال می‌کردند، شب ۷۳/۱۲/۲۲ همه‌ی احزاب و گروه‌ها و موسفیدان و بزرگان مردم کویته در «امام باره‌ی نیجاری»، بزرگترین حسینیه و مسجد شهر جمع شدند تا دربار‌ی دستگیری استاد تصمیم گیرند که چه کار می‌توانند انجام دهند و در همان جلسه از طریق بی بی سی خبر ناگوار شهادت استاد

پخش شد. آنهم به صورت همان جمل و تحریفی که طالبان ساخته بودند که؛ دست استاد شهید باز بوده و کلاش یک نفر طالب را قاپیده و پنج نفر طالب را بهلاکت رسانده و خود و یارانش توسط طالبان دیگر، به شهادت رسیده‌اند و هلی کوپتر سقوط کرد. این خبر ناگوار موجی از غم ایجاد کرد و صدای ضجه از عالم و عامی بلند گردید و عده‌ای ضعف کردند غش نمودند که کارشان به دکتر و بیمارستان کشید و به دنبال آن سه روز عزای عمومی در شهر کویته اعلام گردید روز شنبه و چهار شنبه قبل از ظهر و بعد از ظهر مجالس ختم قرآن برگزار بود و هزاران نفر مصیبت زده در این مجالس شرکت می‌کردند صبح‌ها از ساعت ۹ الی ۱۲ و عصرها از ساعت ۳ الی ختم، دوام داشت. روحانیون و دانشگاهیان سخنرانی می‌کردند. روز پنجشنبه از ساعت ۹ صبح در امام باره‌ی مسجد نیجاری جای نشستن باقی نبود مردم مشغول قرائت قرآن بودند چند تن از سخنرانان مطالبی جذاب بیان کردند در آخر مجلس با سخنرانی اینجانب با اشک و اندوه و ماتم پایان یافت. از ساعت ۲/۵ بعد از ظهر راه پیمایی از مسجد نیجاری به طرف میدان چوک در مسیر علمدار رود با شعارهای کوبنده‌ی مردم ادامه یافت. مخصوصاً شعار مرگ بر طالبان شهر را به لرزه درآوردده بود. همه در منطقه و جایگاهی که محل تجمع بود، گرد آمده بودند که این تجمع در شهر کویته سابقه

## تجلیلی که مردم افغانستان و بیروان شهید مزاری از بیکر پاک آن رهبر قهرمان انجام دادند، در تاریخ کشور ما بی‌نظیر است. علاقه، ارادت و اخلاصی که ملت باوفا ابراز کردند، شگفت‌انگیز است

شگفت‌انگیز است



## سه روز عزای عمومی در شهر کویته اعلام گردید روز شنبه و چهار شنبه قبل از ظهر و بعد از ظهر مجالس ختم قرآن برگزار بود و هزاران نفر مصیبت زده در این مجالس شرکت می‌کردند صبح‌ها از ساعت ۹ الی ۱۲ و عصرها از ساعت ۳ الی ختم دوام داشت. روحانیون و دانشگاهیان سخنرانی می‌کردند

## پیام حجة الاسلام والمسلمین، استاد عرفانی

عضو شورای رهبری دولت اسلامی و یکی از رهبران حزب وحدت اسلامی افغانستان

### به مناسبت پنجمین سالگرد شهادت استاد مزاری (ره) و یاران باوفایش

#### ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون

اکنون پنج سال است که مزاری رفته و با کوله باری از غم حرمان مردم خود، به جاودانگی پیوسته است.

اکنون پنج سال است مزاری و یارانش سر در نقاب خاک کشیده‌اند و رخت عزیمت در بر نموده و قیای شهادت را آستین زده‌اند.

او با باورهایی که برخاسته از متن مکتب و مذهب بود، نه تنها خوب زندگی کردن و با مردم بودن را به همگان آموخت که حتی خوب به سوی دیار بقا رفتن و به حق پیوستن را نیز با خون خود رقم زده و راهی سرزمین همیشه‌گویی تاریخ نمود و جانانه مرکب عشق را نهیب زد تا با شمشیر معجزه‌گر شهادت، شط خون را شق کرده و موسی آسا، خود را به ساحل عشق رساند.

او در برابر طوفان شرارت و شقاوت ایادی بیگانه و متجاوزین جنوبی ایستاد و بی‌باکانه به محراب ایثار، به ادای نماز تودیع و تقرب به حق مشغول شد و به هنگام رکعتان عشق پیشانی‌اش شکافته و سجاده سجده‌گاهش خون آلود گردید، اما هرگز به مردم خود پشت نکرد و برای دفاع از حریم عزت و شرف افغانستانی، لختی درنگ نمود.

هموطن! مزاری تا آخرین لحظه زندگی با چشمان باز و نگران خود، ما را می‌پایید و دلواپس مظلومیتها و محرومیت‌های ما بود. «مایی» که چماق تکفیر را بر جبین داشتیم، و تویی که به ده‌ها حمله و نیرنگ دیگری چون مشرقی‌وال، قندهاری، فراهی، ... قربانی طمع ورزی‌های بیگانگان و نوکران آنها شده بودی. مایی که فقط به ارتفاعات سرد و کوهستانی هزاره‌جات رانده شده و یکباره از نعمت‌های سرزمین خود محروم گشته بودیم. و تویی که در شمال کابل و در بهشت افغانستان فرار داشتی ولی هر روز و هر لحظه، دسترنج زحمت‌هایت به بی‌گناهی رفت و لقمه‌ی آماده‌ات که حاصل سالها تلاش و خون دل خوردنت بود از دستت و از دست زن و فرزندت گرفته می‌شد. مایی که تنها چوب بی‌عدالتی و نژادگرایی را می‌خوردیم، اما تویی که در کمال ناباوری به نام مقدست مارک نفهم بودن و صدها برچسب ناداعادله‌ی دیگر را می‌چسباندند و بدین ترتیب، عده‌ای از

خدای خیر و بریده از فرهنگ و عنعنات ملی، متجاوز از بیست میلیون انسان مؤمن و درد آشنا را به جان هم انداخته، بدینسان منافع اربابانسان را به قیمت نابودی «ما» و سرزمین مادری ما، تأمین می‌نمودند.

برادران و خواهران! مزاری با چشمان باز، به لقای ایزدی پیوست و هیچ وقت چشمان خود را بر روی مردمش نبست، مردمی که مزاری با آنها «پیمان باهم بودن» خوانده بود. ملتی که مزاری آن را «یک پیکره‌ی جدا نشدنی»

می‌دانست. او با مردمش هرگز وداع نکرد، زیرا؛ او هزاران کار ناتمام داشت که فرصت انجام آنها را نیافته بود. او چشمانش را تا بعد از مرگش باز نگاهداشت تا این پیام را به من و شما بدهد که دیگر بار، او می‌آید، یعنی؛ مزاری باز می‌گردد، تا طرح «امت واحده»‌ای که در دل داشت، با همکاری و همیاری دلخواه‌ان مسلمان افغانستانی به فرجام رساند و هیچکس به خاطر «از کجا بودن»، «به کدام نژاد تعلق داشتن» و «چه فکر کردن» مؤاخذه و محاکمه نشود.

اینک ما (من و تو) مانده‌ایم و رایت خون آلود او، ما مانده‌ایم و طرح‌های ناتمام او، ما مانده‌ایم و دشمنی آخته دشمن در گلو، که هر لحظه ممکن است افغانستان و افغانستانی را قربانی مطامع جفاکارانه‌ی

خود نمایند، ما مانده‌ایم و شرف باختگانی که فقط به ویرانی افغانستان می‌اندیشند، ما مانده‌ایم و آوارگانی که در جای جای این کوه‌های خاکی پراکنده‌اند. ما مانده‌ایم و پراکندگی و تشتت و سر درگمی، ما مانده‌ایم و هویت زیر سؤال رفته‌ی ملی ما، ما مانده‌ایم و خانه‌ی مشترک و ویران شده‌ی ما.

برادر و خواهر هموطن! در هر کجایی که هستی، با هر لهجه‌ای که گپ می‌زنی، به هر حزب و گروهی که هستی، به هر ملیتی که منتسب می‌شوی، بی‌با! و تا دیر نشده و آخرین شیرازه‌ی مشترک افغانستانی بودن ما از هم نپاشیده و آخرین تارهای «اتحاد ملی» را مقراض اجانب نبریده، فکری به حال آله‌های به خون خفته‌ی وطن بنماییم و طرح‌های نا تمام مزاری و مزاری‌ها را که همه از آن من و تو بودند و با دشمنی دژخیمان و دشمنان افغانستان به شهادت رسیدند، سنگ تمام و خشت کمال گذاریم. شمشیرها را در نیام کنیم و خاک ریزه‌هایی که به نام سنگر علیه‌همدیگر ساخته‌ایم، صاف و هموار نموده، به جای آنها نهال صلح و صفا را غرس نماییم و دیگر فقط نشسته و به مرگ ارزشها و از دست رفتن فضیلت‌ها، اشک نریزیم؛ بلکه بایسته است به مفاهیم زیر بیندیشیم:

۱- استراتژی ملی: متجاوز از بیست میلیون افغانستانی که دارای ایدئولوژی واحد اسلامی است، به یک خدا ایمان دارند و به سوی یک قیله (کعبه) نماز می‌خوانند و به یک مبدأ و معاد معتقدند؛ با الهام از همین انرژی غنی «خدا محوری» و استفاده از «استراتژی ملی» در یک بسیج عمومی و همگانی توانستند بزرگترین ارتش افسانه‌ی دنیا را از خانه‌ی مشترک و سرزمین آبایی خود بیرون نمایند. هم اکنون نیز با استفاده از فکت‌ها و فاکتورهای موجود می‌توانند، ضمن به وجود آوردن فضای «همپذیری»، به غایله‌ی فعلی خاتمه داده و بحرانی را که طالبان و کشور همسایه‌ی جنوبی به وجود آورده‌اند، حل و فصل نمایند و گامهایی را که شهید مزاری در این راستا در قالب طرح چهار جانبه و معاهده‌ی جبل السراج برداشته، ولی موفق به پیاده کردن آن نشده بود با

✓ هموطن! مزاری تا آخرین لحظه زندگی با چشمان باز و نگران خود، ما را می‌پایید و دلواپس مظلومیتها و محرومیت‌های ما بود. «مایی» که چماق تکفیر را بر جبین داشتیم ✓ اینک ما (من و تو) مانده‌ایم و رایت خون آلود او، ما مانده‌ایم و طرح‌های ناتمام او، ما مانده‌ایم و دشمنی آخته دشمن در گلو، که هر لحظه ممکن است افغانستان و افغانستانی را قربانی مطامع جفاکارانه‌ی خود نمایند

به وجود آوردن راهکارها و وفاق ملی آن را دنبال کنند.

آنچه که اکنون ما با آن روبرو هستیم، نبود راهکارهای ملی است؛ راه کارهایی که همواره به وفاق ملی و «همدلی مینهنی» ختم می‌شده است.

۲- تمامیت ارضی: خطوط تعیین شده‌ی جغرافیایی‌ای که محدود کننده‌ی کشورها می‌باشد، حق قانونی و حریم پذیرفته شده‌ی بین‌المللی برای ساکنان آن کشورهاست که این محدوده، عنوان خانه و محدوده‌ی حفاظتی را دارد و لازم است از طرف کشورهای همجوار پذیرفته شود. بنابراین، به عنوان حق قانونی خود می‌توانیم در محافل بین‌المللی، آنچه را که امروزه از طرف همسایه‌ی جنوبی ما به عنوان

اعمال تجاوزکارانه اعمال می‌شود شکایت ببریم. از طرفی؛ باید بدانیم آنچه که امروز به دست طالبان در افغانستان اعمال می‌شود، زیر سؤال بردن «تمامیت ارضی» این کشور است و منظور حامیان طالبان از خلق غایله‌ی موجود این است که معاهده‌ی ننگین «دیورند» که شش سال از زمان سر رسیدن آن گذشته است، به یادافغانستانی‌ها نباشد. آنها می‌خواهند با راه انداختن جنگهای داخلی و به جان هم انداختن ملیتها، «ماهی هدف» را از آب گل آلودافغانستان بگیرد و تا زمانی که ما به فکر «تمامیت ارضی» افغانستان نباشیم، نه تنها معاهده‌ی «دیورند» به فراموشی سپرده خواهد شد که حتی «تمامیت ارضی» این سرزمین دستخوش کشمکشها و تنشها خواهد گردید.

۳- حاکمیت ملی: حاکمیت ملی و تعیین سرنوشت و انتخاب شیوه و نوع حکومت، حق قانونی دیگری برای هر ملت است.

ملتی که از فکر حاکمیت بر سرنوشت خویش غافل شود و دیگران به سرنوشت آنها دست اندازی نمایند، عملاً حاکمیت ملی و استقلال خود را زیر سؤال برده است.



برای افغانستانی‌ها بسیار ناگوار و ناسازگار خواهد بود که با آن همه سابقه‌ی کم نظیر استقلال خواهی، سرنوشت آنها از ماورای مرزهای افغانستان تعیین شود و در این خصوص هیچ تفاوتی بین آنچه که در دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ در مسکو رقم می‌خورد، با آنچه که هم اکنون از اسلام آباد به این طرف سرازیر می‌شود و چهار ملیت برادر را به جان هم می‌اندازد، وجود ندارد و از غیرت و غرور افغانستانی‌ها بدور است که ننگ ذلت حاکمیت دیگران را پذیرا گردند.

۴- رعایت قانون و قانون‌مند بودن: وقتی ملتی به مرحله‌ی والایی از رشد و کمال سیاسی می‌رسد، به حقوق دیگران احترام گذاشته و قانون را سرفصل مهم زندگی خود قرار می‌دهد و قانونمندی را کانون تمامت «همگرایی‌ها» و «واگرایی‌ها» به حساب می‌آورد.

بنابراین خطاب به همه عرض می‌کنم: ملت رشید و امت سرافراز افغانستان! رهبران تنظیم‌ها! اعضای محترم تشکیل دهنده‌ی احزاب و مسؤولین و پرسنل دفاتر! بسیار بیجا و شایسته است که حتی یک بار هم که شده، خود را با قانون بسنجیم و عملکردها و موضع‌گیری‌های خود را در مقیاس دقیق قانون قرار داده، سپس درباره‌ی شخصیت خود قضاوت نماییم، و هیچوقت قانون را در خدمت خود نگیریم و از قانون استفاده‌ی ابزاری فقط در جهت منافع و مطامع خود ننماییم. مخصوصاً در مناسبات درون تشکیلاتی و تعهدات و پیمان‌های برون حزبی، خود را فراتر از قانون و مواد معاهدات و مفاد آنها ندانیم. زیرا؛ ریشه‌ی بسیاری از تنشهای فعلی، در زیر پا گذاشتن قوانین و مفاد معاهدات است. اگر روزی هرافغانستانی «همپذیری»، «قانونمندی»، «استقلال» و «تمامیت ارضی» را در لحظه لحظه‌ی زندگی خود از یاد نبرد، همان روز تندیس «صلح»، «امنیت» و «آزادی» بر فراز بام همه‌ی مناصب خواهد شد.

در اخیر، پنجمین سالروز شهادت مزاری و یاران مؤمن او را به همه‌ی دوستان و هم‌زمان‌شان و مردم خداجوی افغانستان و اعضای محترم حزب وحدت اسلامی، تسلیت گفته، از خداوند متعال می‌خواهم سال ۷۹ را سال صلح و دوستی برای مردم ما قرار دهد و بی‌بلی خانمانسوز جنگ را از خانه و کاشانه‌ی ما دور نماید.

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین

قریباتلی عرفانی

عضو شورای رهبری دولت اسلامی و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان

بعد از قلم زدن و گپ راندن بعضی از دوستان کم لطف و تا حدی کوتاه بین که ناآگاهانه در خدمت دشمنان زیرک قرار گرفته و آب به آسیاب آنان می‌ریزند و هیچ خط فرمزی در تاریخ، باور و افکار عمومی مردم خویش قایل نمی‌شوند و راجع به شخصیت شهید مزاری، سخنانی از سربانی انصافی و کینه توزی بر روی ورق پاره‌ها که بیشتر از همان حس حقارت و «در گرد قافله» بودن آنها از یک سو،

مقوله قابل بررسی و قضاوت می‌باشد. زیرا؛ شاخصه‌های بارز جذب و دفع مزاری در طول زندگی مبارزاتی او نمودار عینی از شخصیت «دو نیرویی» وی می‌باشد و این دو نیرویی بودن او تنها به زمان خاص و مکان معینی منحصر نمی‌شود. بلکه از زمانی که او خود را می‌شناسد و متوجه می‌شود مسؤولیتی در قبال مردم و کشور خود دارد، و تا زمانی که رهبریت سیاسی هشت میلیون جمعیت

ارایه‌ی طرح چهار جانبه، نمونه‌هایی بسیار بارزی از جذب و کشش مزاری است که امروزه در سینه‌ی تاریخ مردم ما ساز و برگ گرفته است، آنسان که نه هزاره خود را «ملت مقهور» و «مغبون» در جامعه‌ی بیست و چند میلیونی افغانستان احساس می‌کند و نه هم پشتون، تاجیک و ازبک، این مردم را یک تافته‌ی جدابافته از خود می‌پندارند. ریشه کن کردن جنون جنایت‌بار دو

مقابل ندارد، پس چه بهتر که از آشفته بازار سیاسی موجود که هر کسی به فکر «سنگ نشدن نان» و مقام خود است، استفاده‌ای، بهینه (به خیال خود) را برده و (در واقع) تیری به تاریکی پرتاب نماید. از آن طرف مزاری هم که زنده نیست و کسی هم ندارد تا از او دفاع کند. (۲) (ب) در سطح برون تشکیلاتی، تعامل دافعه‌ی مزاری، به صورت ۲۶ جنگ تمام عیار تبارز می‌کند، و علی‌رغم اینکه هر

عنوان یک اصل قرار داده بود، اشاره می‌شود: ۱ - جاذبه: آنچه به عنوان جاذبه در اینجا مطرح است، باورهای است که شهید مزاری؛ زندگی، آسایش و جوانی خود را وقف آنها نموده بود و از آنها به قداست و کرامت یاد می‌کرد و در برابر آنان از تمام هست و بود خود مایه گذاشته بود. عمده‌ترین آنها عبارتند از: ۱ - ۱ - حفظ تمامیت ارضی: شهید

# مزاری،

# در

# پندارها

## قسمت پایانی

خود مشغولی‌های ما و «فروختن خودباوری» در دل جوانان پر شوری که مزاری همه چیز آنها بود، از سوی دیگر؛ این فرصت را برای آنان فراهم نمودند تا تیر سیاه «خودکم بینی» را افشان و خیزان به سمت مقصود نشانه روند؛ یکبار دیگر این سؤال مطرح می‌شود؛ پراستی مزاری کیست؟ برای یافتن جواب این سؤال کوتاه،

شیمه‌ی هزاره را به عهده می‌گیرد و پرچم دار عرصه‌ی حیات سیاسی شده و هزاره‌ها را در تاریخ وارد می‌کند (۱)، دارای زندگی جهت دار بوده و از دو نیروی جاذبه و دافعه در روابط اجتماعی خود بهره جسته است.

در زمانی که طلبه‌ای بیش نیست، با افراد صاحب نام و مبارز دنیای اسلام در ایران، لبنان و عراق تماس برقرار می‌کند

## نسل جوان امروز با خط و اندیشه‌ی مزاری،

روز و شب را سر می‌کند و منتظر پیشوا و رهبر سیاسی است که مزاری وار سینه سپر نموده، گمنامی‌ها و غربت دردناک گذشته و حال را وا تاب نماید

و بدین ترتیب عملاً در برابر رژیم‌های غیر مذهبی و غیر مردمی حاکم در آن کشورها قرار می‌گیرد.

بعد از حاکمیت حزب خلق و پرچم در افغانستان و دخالت مستقیم ارتش سرخ در این کشور، مزاری دست به تشکیل هسته‌ی مقاومت برای رفع تجاوز می‌زند و سازمان نصر افغانستان را بنیان‌گذاری می‌کند و به آن اکتفا نکرده و در راستای همان دوست یابی و نیروی جاذبه‌ای خود شورای ائتلاف و حزب وحدت را به وجود می‌آورد و در این راستا، نه تنها دوستانی را برای خود می‌سازد که دشمنانی نیز در نهایت سرسختی و کینه توزی در سر راه او سبزی می‌شوند و هرچه نقطه‌ی تماس (همگرایی) شهید مزاری با جامعه و مردم بیشتر می‌شود، میزان دوستی‌ها و دشمنی‌ها (از نظر کمی و کیفی) به موازات هم امتداد یافته و واگرایی‌ها رو به بی‌نهایت می‌گذارند.

معاهده‌ی جبل السراج، توافقات تاریخی حزب وحدت و جنبش ملی اسلامی که منجر به فتح کابل گردید و

صدساله‌ی نظام‌های تبعیض و ستم که بر محوریت نژاد خاصی می‌چرخید و دیگر ملیتها، مخصوصاً هزاره‌ها در آتش بیداد آن می‌سوخت، کار ساده‌ای نبود، ولی مزاری در یک اقدام بی‌سابقه، گامهای بلندی را در این زمینه برداشت و با باز کردن باب مذاکره و گفت‌وگوهای سیاسی، سنگ بنای اولیه‌ی «افغانستانی بودن» را در جامعه گذاشت و با تلاشهای پیگیر سعی نمود تا این اندیشه را به عنوان یک «راهکار مینوی» و «استراتژی ملی» در سطح کشور نهادینه نماید.

بسیار طبیعی می‌نمود که هزینه‌ی ایجاد «خود ارادیت ملی» و به وجود آوردن فضای «افغانستان محوری» و داشتن جذبه‌ی هم مینوی، دافعه‌ها و دشمن‌سازی‌هایی را نیز به دنبال داشته باشد.

دشمنی‌هایی که از این ناحیه دامنگیر شهید مزاری بود، در دو سطح درون و برون تشکیلاتی، قابل توجه است:

(الف) در سطح درون تشکیلاتی، می‌توان از اما و اگرهای بعضی از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت نام برد. همانها که بعضاً با گذشت ایام و تداوم مذاکرات اخلاص‌مندانه، به تفاهم و توافق همه‌جانبه منجر گردید و بعضاً با تشدید بحران و تحریکات محرک‌های خارجی و داخلی به حوادث دردناکی چون غایب‌ی ۲۳ سنبله ختم شد که هم‌اکنون، آن خط و موضع هر از چند گاهی سر از جایی، برآورده، بی‌انصافانه می‌کوشد تا کژتابی‌های گذشته‌ی خود را سبک و سیاق حقانیت و عقلانیت دهد و اعمال دافعه‌ی ایجاد شده از سوی مزاری را، برای خود توجیه نماید. زیرا؛ هر انسانی، تلاش می‌کند تا خود را حق به جانب، پیراسته و فریخته جلوه دهد و برای تحقق این منظور احساس می‌کند چاره‌ای جز خراب کردن چهره‌ی طرف

جنگی پیامدهای منفی خود را به دنبال دارد، جنگهای کابل در کنار نتایج منفی خود ره‌آوردهای مثبت شان هم کم نبوده است.

کمترین دستاوردی که جنگ‌های کابل داشته است، محرومیت زدایی سیاسی مردم ما بوده است. زیرا؛ بسیار محتمل می‌نمود که بعد از ۱۴ سال مبارزه‌ی بی‌امان و دادن صدها شهید، یکبار دیگر مردم هزاره در تنگناهای سیاسی - اجتماعی گذشته‌ی خود قرار بگیرد و دوباره همان غربت و حرمان دو صد سال گذشته بر زندگی‌شان حاکم شود.

به هر حال، مزاری به عنوان یک شخصیت دو نیرویی، سراسر زندگی‌اش مشحونی از جاذبه‌ها و دافعه‌ها بوده است. امروزه با همه‌ی رخوتی که در «طرفداری‌ها» و حتی «طرف قرار گرفتن»‌ها، در سطح جامعه و مردم ما به وجود آمده است، دور از انتظار نیست که موج سال‌های ۷۳ تا ۷۶، یکبار دیگر در عرصه‌های حیات سیاسی - اجتماعی ما به وجود بیاید و بار سنگینی را که ناکامی‌ها بر دوش نسل بیدار و آگاه ما گذاشته

است، به جایگاه مقصود گذارد. نسل جوان امروز با خط و اندیشه‌ی مزاری، روز و شب را سر می‌کند و منتظر پیشوا و رهبر سیاسی است که مزاری وار سینه سپر نموده، گمنامی‌ها و غربت دردناک گذشته و حال را وا تاب نماید.

در این جا، به مواردی از جاذبه و دافعه‌ای که مزاری در طول حیات خود به

## علی‌عالمی کرمانی

مزاری با تجربیات و مطالعاتی که از تاریخ و سرنوشت ملت‌ها و کشورهای تحت ستم داشت، یکی از علت‌های مهم سیه‌روزیهای آنها را در فقدان حفظ تمامیت ارضی آنها می‌دانست. از این رو، شهید مزاری تجاوز ارتش سرخ به سرزمین افغانستان را نه تنها از این جهت که مقدسات دینی و مذهبی مردم مسلمان این کشور را مورد اهانت و تجاوز قرار داده و دفاع در برابر آن را واجب می‌دانست که حتی از این جهت که به حریم سرزمین و قلمرو ارضی کشور تجاوز کرده و تمامیت ارضی افغانستان را مورد خطر قرار داده بود، لازم و ضروری می‌دانست.

این باور شهید مزاری در گفتار و رفتار او کاملاً متبلور است: «ما سرزمین افغانستان را، سرزمین خود می‌دانیم، این خاک را برای آزادی‌اش بیش از یک میلیون شهید دادیم، از وجب به وجب این میهن دفاع می‌کنیم و بدین معنا نیست که ما حق نداشته باشیم...» (۳)

حزب وحدت اسلامی، اولین و آخرین (تنها) گروه و تشکیلاتی از مجاهدین است که مرکزیت خود را در

## با اینکه با دولت آقای ربانی در جنگ بود،

اما هیچ گاه از ملیت شریف و نجیب تاجیک به بدی یاد

نکرد، بلکه او معتقد بود «تاجیک برادر ما است و از ملت ما

و یک کتله بزرگ از این سرزمین...»

داخل افغانستان قرار می‌دهد و در فلسفه‌ی انتخاب آن هم، شهید مزاری استدلال می‌کند که ما از افغانستانیم و افغانستان خانه‌ی ماست و بهترین راه دفاع از خانه، این است که اهل خانه در داخل خانه باشد.

۱ - ۲ - استقلال و حاکمیت ملی: بر اساس باورها و اندیشه‌هایی که مزاری از مکتب و مذهب داشت، سامان یابی جهان

اسلام، استقلال و حاکمیت مسلمانان بر سرنوشت خود، برای او یک ارزش و یک آرمان بود و همیشه در روابط شخصی و تشکیلاتی خود اهمیت این امر را در نظر داشت و همین بود که حتی در اساسنامهی حزب وحدت (تنها میراث برجای ماندهی مزارزی)، موضوع حسن رابطه با جنبش‌های آزادی‌بخش جهان، مخصوصاً دنیای اسلام را مطرح نموده است. اما هیچ وقت این امر سبب نشده که او را از سرنوشت مردمی از جهان اسلام غافل کند که نسلی بود در انزوای سیاسی، علمی و اقتصادی قرار گرفته بودند؛ افغانستانی‌هایی که سالیان سال مورد تاخت و تاز اجانب و بیگانگان بودند و هر حاکمی که روی کار می‌آمد، آنچه برایش مطرح نبود، حاکمیت ملی بود و استعمار زدایی؛ و به صورتی، پای یک کشور سوم را به میان می‌کشاندند.

شهید مزارزی، با درک این ناهنجاریها، و با آگاهی از این حقیقت که حق حاکمیت ملی، از جمله حقوق به رسمیت شناخته‌شدهی جهان است، در اولین فرصتی که بعد از ورود مجاهدین به کابل پیش می‌آید می‌گوید: «در حکومتی که برای آینده‌ی ما تشکیل می‌شود و سرنوشت ما در گرو آن حکومت است، همه باید سهیم باشیم» (۴) قاطعیت و پیامردی شهید مزارزی، برای تحقق حاکمیت ملی، به حدی است که در تمام سخنرانی‌ها و گفتارهایش روی استقلال و حاکمیت مردم تأکید می‌کند: «باید همه این را بپذیرند که افغانستان مال همه‌ی مردم این کشور است.» (۵) بنابراین باید مردم این کشور تصمیم بگیرد که چه نوع حاکمیت را بر سرنوشت خود حاکم نمایند. او از اینکه شیوه‌ی حاکمیت بر مردم ما از پیشاور و اسلام آباد تعیین می‌شود به شدت ناراحت بود.

۳ - ۱ - اصلت دادن به مردم: در اکثر کشورهای دنیا مخصوصاً در کشورهای جهان سوم، از مردم بیشتر استفاده‌های ابزاری می‌شود و مردم آلتی است در اختیار سیاستمداران و حاکمان که با شعارهای رنگارنگ، از رأی، نیرو و توانمندیهای مادی و معنوی‌شان پلکانی برای رسیدن به هرم قدرت درست می‌کنند و به مجرد رسیدن به رأس هرم، از فکر و حال قاعده‌نشینان آن غافل می‌شوند، ولی در افغانستان، وضع از هر جای دیگر بدتر بوده است، زیرا آنچه که تاکنون در این کشور مطرح نبوده است، مردم و حقوق اولیه‌ی آنها بوده است.

اما رهبران و مصلحانی که دارای چهره‌ی مردمی هستند، دارای دیدگاه‌های متفاوت می‌باشند، برای آنها مردم، ابزار نیست. زیرا: آنها سیاست و مردم را از فاز دیگری می‌بینند و برای آنها سیاست وسیله‌ای برای رفاه و آسایش مردم می‌باشد. بنابراین سیاست مدار باید در خدمت مردم باشد.

سید جمال‌الدین، گاندی، اقبال، امام

خیمینی و بلخی جزو کسانی بودند که برنامه‌های سیاسی خود را بر مبنای مردم‌مداری و «ملت‌سالاری» عیار می‌نمودند. حتی رضایت خداوند را به رضای بندگان او جست‌وجو می‌کردند و دخالت در امور سیاسی را به عنوان یک تکلیف می‌دانستند تا از این طریق دین خدا را حفظ نموده و خلق خدا را برای فراگیری دین او یاری نمایند.

برای شهید مزارزی نیز، مردم از مؤلفه‌هایی است که دارای قداست و معنویت می‌باشد. از این رو هیچ وقت به مردم به دیده‌ی یک ابزار ننگریست که فقط به منظور «زنده باد» و «مردود باد» گفتن از آنها استفاده کند و وادارشان نمایند تا برای قوت لایموت، تملق نمایند و «مزارزی رهبر» بگویند. بلکه مردم هم در قلمرو باورها و اندیشه‌های مزارزی و هم در قلمرو حاکمیت تشکیلات و اداره‌ی او، اصلت ذاتی دارند و این حزب، گروه و سیاست است که به عنوان ابزارهایی باید در خدمت منافع مردم باشد و تابع رأی آنها «ما و شما می‌دانیم که در کشورهای آسیای میانه و کلاً در شرق، رأی مردم تعیین‌کننده نیست، [بلکه] قدرتی که در رأس حکومت است، تعیین‌کننده است.» (۶)

احترام گذاردن به رأی اکثریت و پای بند بودن به تعهدات

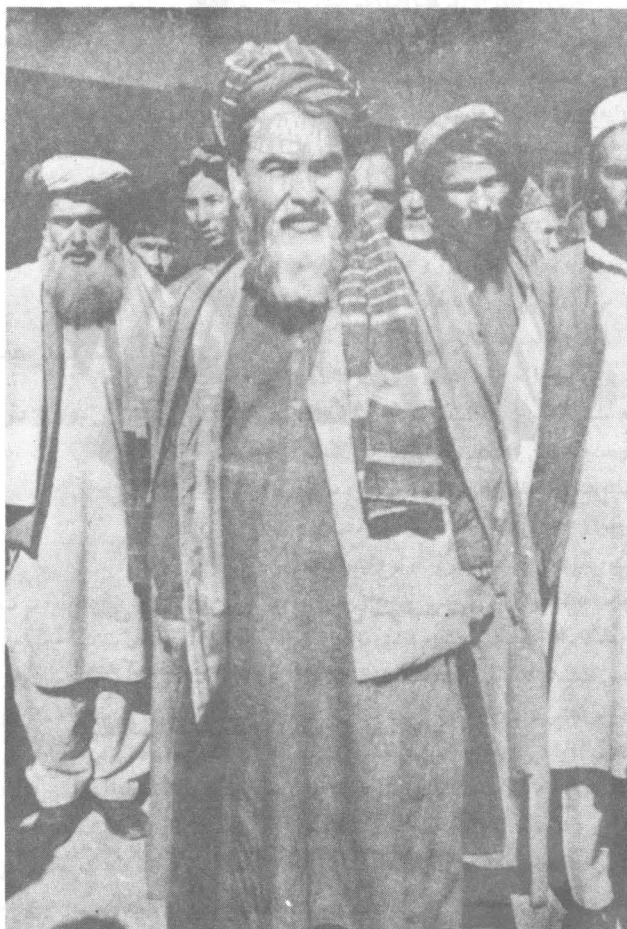
خود در برابر مردم، زاینده‌ی باورها و برداشت‌های مردم محوری او است: «من هیچ منافع جز منافع شما ندارم، اگر من می‌خواستم روی منافع شخصی خود فکر می‌کردم، در این دو سال و هشت ماه هم در کنار شما نمی‌نشتم.» (۷)

۴ - ۱ - انصاف در گفتار و رفتار: یکی از خصایص و جذبه‌های فرازمند شهید مزارزی این بود که با مخالفان سیاسی - راهبردی خود با انصاف و جوانمردی عمل می‌کرد و جوان مردانه موضع می‌گرفت.

در کشمکش‌های سه ساله‌ی غرب کابل، هرگز از موضع اعتدال و انصاف خارج نشد و با اینکه با دولت آقای ربانی در جنگ بود، اما هیچ‌گاه از ملیت شریف

و نجیب تاجیک به بدی یاد نکرد، بلکه او معتقد بود «تاجیک برادر ما است و از ملت ما و یک کتله‌ی بزرگ از این سرزمین...» (۸)

۵ - ۱ - صراحت در موضع: در جوامعی که ارزشهای انسانی و تعالیم ایزدی با جنگ و جنایت گره می‌خورد، و «هنجارهای اجتماعی»، جای خود را به ناهنجاری‌ها می‌دهد، اتخاذ موضع گنگ و مبهم و سخن گفتن در لاف و زست‌گیری اکادمیک، شایسته‌ی شأن و متناسب رسالت پیشگامان، روشنفکران و مصلحان آن جوامع نخواهد بود و بایسته آن است که با صراحت موضع گرفته و با سلاست و روانی، موضع اتخاذ شده را تبیین نمایند و اگر ضعف و ابهام و اجمالی در موضع تبیین آن، احساس می‌کنند، سعی نمایند از



مردم هم در قلمرو باورها و اندیشه‌های مزارزی و هم در قلمرو حاکمیت تشکیلات و اداره‌ی او، اصلت ذاتی دارند

سلامت آن مطمئن شده و در صراحتش یقین حاصل نمایند.

تبیین به حق موضع شیعه‌ی هزاره از زبان ساده و همگان فهم مزارزی، جذبه‌ی دیگری است که در تاریخ مردم ماجوادانه خواهد شد. امروزه، طنین گفتار او «در افغانستان، شعارها مذهبی است اما عملکردها نژادی» به شکلی درآمده که هر صبح و شام، گوش نسل نجات یافته و (باقی مانده) از جنگ را می‌نوازد.

۶ - ۱ - پایداری و استواری در هدف: تذبذب در موضع‌گیریها و تردید در روابط سیاسی و پشت کردن به کتله‌های هم پیمان در منطق مزارزی، مذموم‌ترین صفت برای یک مرد به حساب می‌آید. از این رو، در آخرین

روزهای عمر خود خطاب به مردمی که حالا برای او همه چیز شده بود می‌گوید: خواسته‌ام در کنار شما... و در بین شما کشته شوم... در خارج از کنار شما زندگی برابم هیچ ارزشی ندارد...» (۹)

۲ - دافعه: شهید مزارزی، هم در زمانی که یکی از فعالان سازمان نصر بود و هم در زمانی که به رهبری حزب وحدت رسید و هم در بحبوحه‌ی جنگهای سه ساله‌ی کابل که علاوه بر رهبری حزب، زمامداری مردم را بر عهده داشت، گروه‌های ذیل را به شدت از خود دفع کرده و با آنها به مبارزه برخاست:

۱ - ۲ - انحصار گرایان: از آنجا که تمامت خواهی در افغانستان، تاریخ سیاه و سنگ و چوب این کشور، زخم انحصار بر پیشانی دارد، برای مزارزی که مردمش نماد کلی از ظلم زدگی بود، بسیار طبیعی

می‌نمود که رستاخیزی از «انحصار زدایی» را پایه ریزی نماید، و همین بود که مساعده‌ی جبل السراج را با دو ملیت ستم دیده به امضا رسانیدند. او هدف

این پیمان را، شکستن حصار انحصار تعریف نمود، نه حذف قوم یا ملیتی، «در آن توافقنامه حذف پشتون‌ها مطرح نبود، فقط می‌خواستیم انحصار را بشکنیم.» (۱۰)

به منظور تکمیل پروژه‌ی انحصار زدایی، طرح چهار جانبه و طرح حکومت فدرالی را ارائه نمود زیرا: او همانطوری که انحصار اعمال

شده از جانب پشتون را ناپسندیده می‌دانست، از جانب هزاره، تاجیک و از یک نیز اعمال آن را غیر معقولانه و دور از خردورزی می‌دانست؛ «قدرت طلبی به این نژاد و آن نژاد نیست» (۱۱) و «ما حقوق ملیتهای محروم را می‌خواهیم و از آن دفاع می‌کنیم.» (۱۲)

۲ - ۲ - قوم‌گرایان: قوم‌گرایی که نمابه‌ی محدودتری از فاشیسم نژادی می‌باشد، در بیشتر جوامع استبداد زده و نظام‌های آپارتایدی وجود دارد. با این تفاوت که در برخی جاها به صورت خزنه و زیرکانه اعمال می‌شود و به خاطر ملاحظات افکار جهانی، از بکارگیری علنی آن وحشت دارد، اما در افغانستان؛ قوم‌گرایی به صورت کاملاً عبرانی آن

اعمال می‌شده است و هم اکنون نیز طالبان، همان سیاستهای فرسوده‌ی گذشته را نسبت به فارسی‌زبانها، به خاطر زبان و ملیت آنها، به کار گرفته‌اند و از این رو، قوم‌گرایی در افغانستان به صورتی در آمده که با انحصار طلبی یک مصداق پیدا کرده است.

شهید مزارزی که شعارها را مذهبی و عملکردها را نژادی می‌دانست، به خوبی اوضاع نابسامان جامعه‌اش را درک کرده بود. لذا در مقاطع مختلف، قوم‌گرایان را که گاه با انحصار طلبان یکی می‌شدند، مورد نکوهش قرار داده و از خود دفع می‌نمود؛ «اگر اقوام ساکن افغانستان، هويت و شخصیت حقوقی همدیگر را نفی نکنند، اگر کسی در اینجا ظلم نکند، حق دیگری را ضایع نکند، دیگر مشکلی وجود ندارد، تمام جنجال‌ها و درگیریها بر سر همین مسأله‌ی امتیاز طلبی است. این امتیاز طلبی یک دفعه در چهره‌ی مذهب است و یک دفعه در چهره‌ی نژاد است.» (۱۳)

سیاست انحصار طلبی و قوم پرستی بود که شهید مزارزی را وادار نمود تا بارها و بارها از عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه‌ی قدرت و نیز تقسیم عادلانه‌ی واحدهای اداری سخن به میان آورد:

«ما می‌خواهیم ستمهای چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌نگری، تفاخر و افزون خواهی خبری نباشد و کلیه‌ی مردم افغانستان از هر قوم، نژاد و یا هر رنگ و زبان، برادرانه و برابریه زندگی کنند... خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است... و ما خواستار یک حکومت اسلامی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم که در آن حقوق همه‌ی مردم افغانستان به تناسب نفوس و میزان حضورشان در جهات سیاسی - اجتماعی کشور تأمین گردد.» (۱۴)

شایسته است هر قدرتی که در آینده سر کار می‌آید، این گفته‌ی مزارزی را آویزه‌ی گوش قرار داده و چوکی، قدرت و همه چیز را برای مردم به دست گیرد و این که؛ وجود اقوام شر نیست بلکه سلب حقوق و نفی ملیتها و به وجود آوردن فضای تبعیض و ستم شر است.

۳ - ۲ - مفسدان سیاسی: چنان که در این مقال ذکرش رفت، مزارزی همواره در سیاست با دیده‌ی یک ابزار می‌نگریست و تلاش می‌کرد برای هدف مشروع که همان حق حاکمیت مردم بود، از ابزار مشروع استفاده نماید. او همان طوریکه مفسدان مالی را محکوم می‌دانست، فساد سیاسی را نیز درواز مردانگی تلقی می‌نمود. لذا در طول زندگی سیاسی خود، در مناسبات درون تشکیلاتی با هر نوع زرنگ بازیها و زیرک کاری‌ها به عنوان مظاهری از شیطنت و دو رنگی به مبارزه برخاست. و دو دسته از مفسدان سیاسی را به شدت از خود و تشکیلات و مردم منسوب به خود راند:

## کربلای ۱

### • سید موحد بلخی

کربلا! عربده سر کن که جنون سر کردیم  
 در تب بادیه - این بادیه - خون سر کردیم  
 خیمه در خیمه‌ی غم بال برافراشته باز  
 و سپاهی که از آتش کمر افراشته باز  
 و سپاهی که در این مرحله خون می‌جوشد  
 در تب بادیه یک کاسه جنون می‌جوشد  
 کربلا تشنه‌تر از آیینہ ما گل کردیم  
 تشنه‌تر، شوخ‌تر از «خون خدا» گل کردیم  
 هودج عرشی «خورشید» فرو آمده باز  
 و شکوهی که زخون کرده وضو آمده باز  
 در رگ و ریشه‌ی ما «خون خدا» می‌جوشد  
 داغ «هفت آیینہ» در رگ ما می‌جوشد  
 «هفت آیینہ» که در معرکه‌ی خون جوشیدند  
 هفت آیینہ که یک کاسه جنون جوشیدند  
 هفت پرواز که در عشق وفادار شدند  
 عین «هفتاد و دو خورشید» پدیدار شدند  
 کربلا! عربده سر کن که جنون گل کردیم  
 واحه را تشنه‌تر از آینه خون گل کردیم  
 هله آتش نفسان! قبله نما می‌آیند  
 هفت آینه به دیدار شما می‌آیند  
 هفت آینه که از غربت «غرب» آمده‌اند (۱)  
 و فراخوان شما باز به حرب آمده‌اند  
 «لاله‌ی این چمن آلوده‌ی رنگ است هنوز»  
 «سپر از دست مینداز که جنگ است هنوز» (۲)  
 «غزنه» تا «بلخ» و «هری» یکسر ه شیون شده‌اند  
 کودکان شهیدا دست بگردن شده‌اند  
 پدر آهنگ سفر کرد خدایا چکنیم؟  
 کوه آتش به جگر کرد خدایا چکنیم؟  
 کوه آتش به جگر ماند و همین ما ماندیم  
 باز در خانه‌ی خود بیکس و تنها ماندیم  
 پدرا! مرگ غریبانه‌ی تو ما را کشت  
 دیدن غربت و زولانه‌ی تو ما را کشت  
 اف بر آن قوم که یکباره جگرخوار شدند  
 تف بر آنها که در این مزرعه گفتار شدند  
 کربلا! عربده سر کن که جنون سر کردیم  
 در تب بادیه - این بادیه - خون سر کردیم

## درد جدایی

### • زینب - تنها یادگار رهبر شهید

ای امید دل من مونس من تو به کجایی  
 پدرم تاج سرم سوختم از درد جدایی  
 شده خون بعد تو بابا بخدا این جگر من  
 نبود در دل من صبر و نه طاقت ز جدایی



زاتش کینه‌ی دشمن دل و جان سوخت مرا  
 آنچه کردند، نکردند ز خدا شرم و حیایی  
 ای فلک بعد پدر سیر شدم از همه عالم  
 ای اجل منتظرم کی شود از در تو درایی  
 به غریبی من ای چرخ ترحم نمودی  
 بی‌پناهییم ولی خوب که داریم خدایی



## نسل کوهسار

### • اسدالله وفایی

بهار مردمان آمد، بهار ما نمی‌آید  
 نوید فصل نو، در روزگار ما نمی‌آید  
 بهارستان ما هر ساله زخم آلود، خونین است  
 بجز فریاد مرگ از لاله‌زار ما نمی‌آید  
 بهارستان؟ چه گویم، بلکه گورستان خاموش است  
 و آهنگ ترنم از هزار ما نمی‌آید  
 صدای نغمه‌ی گیتار و چنگ از زیر و بم افتاد  
 ترنگ شادمانی از دوتار ما نمی‌آید  
 تمام رودهای قریه، در قعر زمین رفتند  
 نوای دنواز آبشار ما نمی‌آید  
 مپرس از جنگل و از شاخه‌های سبز پارینه  
 و بوی سبز برگ از شاخسار ما نمی‌آید  
 میان دود و آتش، تلخی جانکندن و مردن  
 بهار و سبزه و جنگل، بکار ما نمی‌آید  
 تمام اهل آبادی به کام مرگ خفتیدند  
 صدای گریه حتی از مزار ما، نمی‌آید!  
 بیادت هست؟ گفتی: ما ز نسل کوهسارانیم  
 و سر خم کردن از ایل و تبار ما، نمی‌آید!  
 بیادت هست؟ گفتی: ما ز نسل سردارانیم  
 بجز پیغام خون از پای دار ما، نمی‌آید  
 پس از تو رعد و برق از آسمان قریه‌مان گم شد  
 طنین تندتر از ابر بهار ما، نمی‌آید  
 هژیر بامیان از کوه بابا سرنگون افتاد  
 صدای غرش دره شکار ما نمی‌آید  
 کشم بیهوده رنج انتظار مقدم مردی  
 تهمت‌ن گونه، از ایل و تبار ما نمی‌آید  
 چه! مردی را، تو با خود بردی و نامردمی جا ماند  
 به ذلت زندگی را ننگ و عار ما نمی‌آید  
 خجالت می‌کشد فرزند ما از جبهه و سنگر  
 و مرد سنگر آنک در شمار ما نمی‌آید  
 چه! محصول جهاد و جبهه و خون شهیدانش  
 سبک وزن است و همسنگ دلار ما نمی‌آید  
 بین سردار جنگ ما چگونه مات شطرنج است  
 رُخ بردن به میدان قمار ما نمی‌آید  
 گمان دارد به این کاغذ پرائیه‌ی بی پروا  
 به دست آید دوباره، اقتدار ما «نمی‌آید»

۱ - غرب - مقاومت غرب کابل

۲ - از علامه اقبال لاهوری

وقتی سرگذشت و زندگی مردان بزرگ، انسانهای ارزشمند و تاریخ ساز را مورد مطالعه و دقت قرار داده و در زوایا و گوشه گوشه آن تأمل کنیم، برجستگی ها و فراز و نشیبهای بارز و نادری را در آنها مشاهده می‌نماییم که آنها را از دیگر اشخاص متمایز و ممتاز می‌سازد و بدینگونه به عنوان چهره‌های دوست داشتنی و محبوب در بین مردم و جامعه‌ی خود تبارز می‌نمایند... و چه نادرند چنین افرادی که

«درد تبعیض و توهین و حقارت برای سیاه پوست آفریقایی و هزاره‌ی آسیایی یکی است. آن یکی حق انسانیش را به دلیل سیاهی رنگ پوستش و به دلیل نژاد پست ترش از او گرفته‌اند و این یکی، به خاطر حق سیاسی و اجتماعی اش، با تیغ "مغول زادگان" هویت انسانیش را به تسمخ‌گرفته‌اند؛ درد هر دوی آنها یکی است. محرومیت را به خوبی درک می‌کنند و می‌دانند که تحقیر و حقارت بین یک

## زندگی بدون تزویر

### (مقایسه‌ی دو تاریخ‌ساز)

صادقانه به خاطر عزت، سربلندی، آزادی و عدالت اجتماعی قیام کرده، ملت و مردمی را از بند اسارت نجات بخشیده و لحظه لحظه از زندگی‌شان را در راه اهداف مردمش قرار داده‌اند.

از جمله‌ی این افراد که برای استقرار عدالت اجتماعی و آزادی مردمش قیام نموده و رنجهای بی‌شماری در این راه متحمل شدند، می‌توان شهید مزاری (ره) و نلسون ماندلا را نام برد.

ممکن است این سؤال ایجاد شود که چرا نلسون ماندلا با شهید مزاری مقایسه شده است؟ چرا از شخصیت‌های مسلمان که در گوشه گوشه‌ی تاریخ اسلام از آنها سراغ داریم نام برده نشده و با...؟ حرفیست بجا، ولی «اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند.» صحبت از مقایسه نیست. صرفاً خواسته‌ایم و ویژگی‌های مشترک مبارزاتی - سیاسی که هر دو رهبر با آنها دست و پنجه نرم کرده و هر کدام به نحوی، مورد تبعیض و بی‌عدالتی قرار گرفته و موارد مثبت و برجسته‌ای از زندگی آنها که بیشتر از همه جلب توجه می‌کند و خصوصاً که در عصر ما واقع شده، مورد دقت قرار داده‌ایم لاغیر... پس با هم مرور می‌کنیم ویژگی‌های مشترک مبارزاتی این دو مرد مقاوم را در جهت مبارزه با؛

#### ۱ - تبعیض نژادی:

نژاد پرستی و نژادگرایی پدیده‌ای است که در هر جامعه‌ای می‌توان از آن سراغ گرفت و کمتر جایی را می‌توان یافت که تبعیض نژادی در آن وجود نداشته باشد، در بعضی جاهای بیشتر و در بعضی جوامع

انسان، از عقب باورهای خود بزرگ بینی غیر انسانی، چه تلخی‌ای را به روان انسان به جا می‌گذارد» و می‌بینیم که ماندلا فرزند سیاهی است که این درد را به خوبی حس کرده است و درد جامعه‌اش را به خوبی می‌داند. او از سالهای طولانی و حبش و از نژادگرایی که از رژیم «پروتوریا» دیده است چنین می‌گوید: «بر روی محفظه با زیر عرشه‌ی کشتی تنها یک روزنه به بیرون بود که نور و هوای تازه را به درون می‌داد، بعضاً این روزنه همزمان وسیله‌ای بود برای ایداء و اذیت زندانیان توسط زندانبانان خشن سفید پوست که با تخلیه‌ی پیشاب بر روی زندانبانان هرچه بیشتر آنان را تحقیر کنند.» (۱) در جای دیگر می‌گوید: «بدترین لحظه‌ی عمرم زمانی بود که در زندان به هنگام تقسیم لباس زندانبان به گروه ما که شامل من و چند تن از دوستان سیاه پوستم و دو دوست دیگری از نژاد هندی بود، دو نوع لباس دادند و به ما سیاهان شورتکهایی از جنس پارچه‌ای خشن و به احمد کاترادا دوست و هم‌رزم هندی ما شلواری از جنس لطیف‌تر تا بدین وسیله به ما بفهمانند که تبعیض بر اساس نژاد و رنگ و پوست حتی جمع دوستانه‌ی ما را در درون زندانی دورافتاده ترک نمی‌کند.» (۲) و ماندلا سرسختانه با تحمل تمام این گونه آزار و اذیت‌ها، با چنین پدیده‌ای مبارزه‌ی خویش را ادامه می‌دهد تا دیگر نژادگرایی و انسانهای نژادگرا در کشورش حاکم نشوند.

رهبر شهید که رنجهای زیادی را در طول حیاتش از ناحیه‌ی نژادپرستان، طی دوران حاکمیت

### عدالت اجتماعی شاخصه‌ای است که اگر در درون یک جامعه وجود

نداشته باشد، آن جامعه هیچ وقت به سعادت نخواهد رسید و همین نبود عدالت اجتماعی و انحصار قدرت است که امروز شاهد فاجعه‌ی المناک در

#### افغانستان می‌باشیم

کمتر بروز نموده است، همین مسأله عامل بسیار فوری و برنده‌ای بوده است برای بازدارندگی از رشد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، قشری از جامعه یا ملیتی، و ابزاری بوده است برای سرکوفت زدن، توهین، تحقیر و در نتیجه تبدیل نمودن آنها به انسانهای پست، ذلیل، بی‌اراده و خوار که فقط به درد بارکشیدن، کارکردن، فرمان بردن و... می‌آید و بس. این چنین است که:

می‌گردد. مردم ما هم می‌رفتند که تلخیهای چندین ساله درد و رنج‌شان را با گرفتن حقوق پایمال شده‌شان به شیرینی تبدیل کنند، دشمنان مردم ما و نژادپرستان کینه توز قضیه‌ی افشار و جنگ‌های بی‌شمار را بر شما تحمیل کردند، و در این قضایا بلااستننا همه‌ی نژادپرستان چه در لباس دوست و چه در لباس دشمن بی‌طرف نماندند و استاد شهید می‌گوید: «ما اگر در صد سال پیش شاهد مسأله‌ای

حق انسانی‌شان محروم کرده بودند... ماندلا به خاطر این مسأله سالهای سال رنج بی‌شماری را بر خود متحمل شد تا بتواند عدالت را در جامعه‌ی خود حاکم سازد. او در اولین سخنرانی بعد از پیروزی اش به مردمش چنین می‌گوید: «من یک قدیس نیستم، بلکه مبارزی هستم مانند همه‌ی شما که برای آزادی و برابری می‌جنگم.» (۷) و دیدیم که مبارزه‌ی طولانی او به ثمر نشست و رژیم آپارتاید را از اریکه‌ی قدرت به زیر کشاند و آزادی و عدالت را برای مردمش به ارمغان آورد...

شهید مزاری نیز در این قسمت (عدالت اجتماعی) تلاشهای شبانه‌روزی خود را تا دم حیات ادامه داد، و برای اینکه عدالت اجتماعی در افغانستان حاکم شود و همه‌ی ملیتها به سرنوشت خودشان حاکم شوند، می‌گوید: «ما مردم افغانستانیم، هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم، ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هم هستند. همه بیابند در این مملکت برادر وار زندگی کنند و هر کسی به حقوقشان برسند و هر کس درباره‌ی سرنوشت خود تصمیم بگیرند. این حرف ماست. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد و دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است.» (۸) و برای مردمش چنین اطمینانی می‌دهد که: «به شما

#### ● نجیبی

بودیم که پسران ما را می‌گرفتند و می‌فروختند و مردم ما را سر می‌بردند و می‌کشتند و برده و کنیز درست می‌کردند. ولی بعد از صد سال و چهارده سال مبارزه و هم سنگری، عین مسأله تکرار شد و بدتر از آن. اینجا که اطفال هشت ساله‌ی ما را کشتند و آنها را فروختند و زنها را کشتند و صورتشان را پوست

### ○ رهبر شهید از جمله شخصیت‌های نادری است که از عزت نفس بسیار بالایی برخوردار بود و در زندگی خود هیچ وقت به این اندیشه نبود که چگونه و از چه راهی صاحب مال و منال شود

مردم تعهد کرده‌ام که حق شما را می‌خواهم.» (۹) و «از خدا خواسته‌ام که در زندگی خود حقوق شما را هم از همه بگیرم.» (۱۰) و افسوس و هزاران افسوس که عمر یاری نکرد تا بتواند به خواسته‌های برحقش جامعه‌ی عمل بیوشاند و عدالت و صلح را در جامعه‌ی افغانستان به ارمغان آورد...

#### ۳ - عزت نفس:

مال و مکت و سرمایه چیزی نیست که کسی به سادگی از کنار آن رد شود و عیناً می‌بینیم که خیلی‌ها در تلاشند، خود را به آب و آتش می‌زنند که چگونه و از چه راهی آن را به چنگ آورند و...

رهبر شهید از جمله شخصیت‌های نادری است که از عزت نفس بسیار بالایی برخوردار بود و در زندگی خود هیچ وقت به این اندیشه نبود که چگونه و از چه راهی صاحب مال و منال شود و می‌دانیم که دوست و دشمن این ویژگی ممتازش را نمی‌توانند نادیده بگیرند. (برخلاف عده‌ای از رهبران که ریاست و زعامت را فقط و فقط برای مال و مکت و شهرت و... می‌خواهند و بس) چنانچه از قول خواهر استاد شهید نقل می‌کنند: «به ایشان گفتم برادرم مقداری پول بدهید تا برای بینامتن خوراک و پوشاک تهیه کنم که استاد لبخندی زد و گفت: مگر شما پیر هستید، کور هستید، خودتان کار کنید و شکم اولادهایتان را سیر کنید. من پول ندارم و این کالایی را که می‌بینید دوستانم برایم تهیه کرده‌اند.» (۱۱) و همسرش چنین می‌گوید: «یک روز... مقداری پول را روی طاقچه گذاشتند و خودشان گفتند ۲۵ هزار تومان پول محصولهای گندم‌هایی است که در

کردند...» (۴) و شاهد بودیم که با رهبر یک تشکیلات عمده‌ی سیاسی - مردمی چگونه رفتار کردند و عمق کینه و خبانت‌شان را برای مردم مانسان دادند و با یک توطئه‌ی خائنانه و نژادپرستانه‌ی بین‌المللی، استاد شهید را با یاران او اسیر کرده و با فجیع‌ترین شکنجه اذیت و آزارشان داده و به شهادت رساندند، تا به این اعمال نابخردانه‌ی خود به مردم ما بفهمانند و اثبات کنند که نژاد پرستی و نژادگرایی مهم‌ترین مسأله است که هیچ مرز و مکتبی را نمی‌شناسد و برای هیچ کس ارزش قابل نیست جز خودشان و بس! و شاهد بودیم که رهبر شهید در طول حیات خود برای محو نژادگرایی و برای هویت بخشیدن به مردم خود آرام ننشست او این باور را برای مردم ما به وجود آورد که هزاره هم می‌تواند در سرنوشت و اراده‌ی ملی‌شان سهیم باشد و اینکه دیگر «هزاره بودن جرم نباشد» و به خاطر نژادش نتواند بر مقدراتش حاکم باشد.

#### ۲ - عدالت اجتماعی:

مسأله‌ی بسیار مهم و اساسی که یک جامعه را به جامعه‌ی سالم و به دور از کشمکش‌های قومی و نزاعهای قبیله‌ای قرار می‌دهد عدالت اجتماعی است، عدالت اجتماعی شاخصه‌ای است که اگر در درون یک جامعه وجود نداشته باشد، آن جامعه هیچ وقت به سعادت نخواهد رسید و همین نبود عدالت اجتماعی و انحصار قدرت است که امروز شاهد فاجعه‌ی المناک در افغانستان می‌باشیم، چنانچه همین نبود عدالت اجتماعی در افریقای جنوبی باعث قدرتمند بودن عده‌ای قلیل از مهاجرین سفید پوست بر سیاهان بود و در متن جامعه‌اش به آنها ظلم و ستم می‌کردند و از

نموده‌اند. در نهایت برخی از اقوام رنج بیشتر برده و ظلم و ستم زیادتری دیده‌اند. بناءً باید کاری کنیم که تمام مردم افغانستان اعم از هزاره، ازبک، تاجیک و پشتون، متحد و هماهنگ شوند و دیگر ظلم را نپذیرند و به سادگی از حقوق انسانی خود بهره‌مند گردند.

بهترین راه برای ایجاد هم‌آهنگی و همبستگی بین ملیت‌های محروم افغانستان، ایجاد وحدت و یک‌رنگی بین احزاب و گروه‌ها است که هر کدام در ظاهر از قوم خاصی نمایندگی می‌کنند. این بزرگترین هدف رهبر شهید استاد مزاری بود وی می‌خواست جهت تحقق این هدف مرحله به مرحله پیش برود. لذا در ابتدا بین گروه‌های شیعی وحدت ایجاد نمود و بعد از سقوط نجیب طرح اتحاد فارسی‌زبانان از سوی ایشان مطرح گردید که متأسفانه به دلیل خودمحوری و انحصارطلبی‌های بعضی این طرح ناموفق ماند. و بعد بین دو قوم بزرگ هزاره و ازبک دوستی و یک‌رنگی به وجود آورد و در ایجاد الفت، تسامح و تساهل میان سه قوم بزرگ هزاره، ازبک و پشتون ایشان نقش مهم بر عهده داشت.

می‌گیرد. شهید مزاری که مظهر تجلی و تبلور، شهادت، پایداری و هوشمندی و خردورزی و صفا و وفا بود، دارای تفکر و اندیشه‌ای بود که از او قهرمان ملی و شخصیت جاویدانی ساخت، اندیشه‌ی ایشان مبتنی بر دو اصل بود:

۱- ۲- باورهای عمیق دینی

۲- ۲- تعهد ملی، یا به عبارت دیگر شهید مزاری برای کارهای خود یک بار تاریخی قایل بوده و دیگری هم پاداش اخروی، بناءً هر رهبری که دارای چنین بینش و منشی باشد، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گام‌های استوار برداشته و اعمال خود را در راستای آن سامان‌دهی می‌کند.

از سنت‌های الهی است که کسی که برای خدا و خلق او صادفانه گام بردارد محبوب مردم خواهد شد، آن سنت الهی در شخصیت شهید مزاری به خوبی تفسیر و ترسیم گردید.

مزاری آئینه‌ی تمام‌نمای مردم

• عمیده ناطقی - نویسنده

عمده‌ترین دلیل محبوبیت رهبر شهید در میان مردم این است که ایشان عمیقاً مردم خود را دوست داشتند، مردم برای او محبوب بود و او برای مردم؛ این محبوبیت دو جانبه بوده است.

او قلب پر تپش مردم خود بود. مردم خود را، در آئینه‌ی وجود او می‌دیدند، تمام اوصاف، کمالات و شرایط یک رهبر لایق را در وجود او جمع می‌دیدند، بدین لحاظ حب و دوستی او را در دل‌های ایشان احساس می‌نمودند. شجاعت، قاطعیت، صراحت، تقوی و تدین او، امانت و ساده‌زیستی او، مردم دوستی، مدیریت، سیاست، کفایت او و... او را در بین مردم محبوب ساخته بود.

مردم چون می‌دانستند، ایشان همانطور که خود گفته است: منافی جز منافع ملت و مردم خود نداشته و تمام همت و تلاشش به عزت و به افتخار رساندن مردمش بود و به خاطر مردم هم قربانی گردید. لذا محبوبیت فوق‌العاده‌ی در بین مردمش داشت و جایگاه خاص ایشان در قلوب ملت رنج‌کشیده و ستم‌دیده‌ی افغانستان همواره محفوظ است.

شهید مزاری، محور وحدت ملی در افغانستان بود

• معمر علی برهانی - روانی

در سال ۱۳۶۰ رهبر شهید و جناب آقای استاد عرفانی و استاد ناطقی با تعداد ۸۰ نفر از مجاهدین عازم افغانستان بودند که حدوداً ۱۵ روز در جبهه‌ی شهید حیدری (کاکری هرات) جهت سر و سامان دادن به کارهایش توقف داشتند. در آن زمان حقیر با تعداد دیگری از دوستان طلبه‌ام در آن جبهه حضور داشتیم. روزی به دور استاد شهید جمع شده بودیم و راجع به اهداف ایشان از مسافرت به داخل افغانستان سؤال می‌کردیم؛ استاد شهید خطاب به ما فرمودند که در رأس همه‌ی اهداف، ایجاد وحدت بین گروه‌ها در افغانستان است. رهبر شهید در توضیح این مطلب اضافه کردند که انسان باید اول کار را از یک مرکز کوچک شروع کند و به تدریج فعالیت‌ها را به مراکز وسیع‌تر بکشد، اگر در ابتدا طرح کار وسیع باشد و قدرت و توانایی کم، نتیجه شکست خواهد بود. بناءً ما در نظر داریم در مرحله‌ی اول بین دو تشکیلات سپاه و نصر، وحدت به وجود بیاوریم و شروع کار از اینجا آسان‌تر است برای اینکه این دو تشکل در اصول تشکیلاتی و سیاست‌های حزبی و گروهی مشترکات زیادتری دارند. در مرحله‌ی دوم می‌خواهیم بین تمام نیروهای شیعی، وحدت به وجود بیاوریم، در مرحله‌ی سوم در نظر داریم بین تمام احزاب و گروه‌های افغانستانی اعم از شیعه و سنی وحدت و هم‌آهنگی ایجاد نماییم و در نهایت انشاءالله در نظر داریم افغانستانی یک پارچه و متحد را با دنیای اسلامی مرتبط و هم‌آهنگ سازیم.

البته نظر رهبر شهید این بود که تمام اقوام و ملیت‌های ساکن در افغانستان محروم بوده و هستند و در طول تاریخ افغانستان عده‌ی خاصی ظالم و ستمگر، عیاش و مزدور بیگانه بر همگی ملت افغانستان ظلم و ستم نموده‌اند و ملتها را به جان هم انداخته‌اند. این‌گونه نبوده است که حکومت‌های وقت بر بعضی اقوام خدمت و بر بعضی اقوام خیانت کرده باشند، بلکه به همه خیانت کرده‌اند. تمام مردم ما طعم تلخ ظلم و ستم را چشیده‌اند و غبار حرمان و نگون‌بختی را بر رخسارشان احساس



سنت الهی در شخصیت شهید مزاری تفسیر شد

• معمر سرور شریفی - عضو فیکرگزاری وحدت

محبوبیت شهید مزاری در دو بعد قابل ارزیابی است:

۱- بعد زندگی شخصی ۲- بعد زندگی اجتماعی.

اما بعد زندگی شخصی: ساخت و بافت زندگی شخصی و فردی را خوراک، پوشاک و مسکن تشکیل می‌دهد، شهید مزاری در این عرصه خیلی راحت و بی‌تکلف زندگی می‌کرد. طبیعی است که توده‌های مردم وقتی متوجه می‌شوند کسی رهبر است که مثل خودشان زندگی می‌کند، مشاهده‌ی این وضعیت موجب جلب اعتماد مردم به رهبر و محبوبیت او می‌گردد. شهید مزاری مصداق بارز این معنا بود.

۲- بعد اجتماعی: در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی محبوبیت رهبر زاییده‌ی تفکر و اندیشه‌ی پویا و پایدار است و این دو امر در بستر عمل قابل ارزیابی خواهد بود، این ارزیابی توسط مردم صورت

زندگی، جهاد برای عدالت و رفع تبعیض است

• مقرر آیت‌الله شیخ زاره

در رابطه با شهید مزاری سخن‌ها و نوشته‌های زیادی نوشته شده ولی به نظر بنده خصیصه‌های شهید مزاری (ره) را می‌توان بطور خلاصه چنین بیان کرد:

۱- اعتقاد عمیق به مکتب اسلام و عقیده‌ی راسخ به حاکمیت اسلام در تمام ابعاد و زیربنای این تفکر و اندیشه را از امام بزرگوار کسب نموده بود که مدتی در حوزه‌ی ایشان کسب فیض نموده بود و معتقد بود که امام همان راهی را طی کرد که انبیا، طی می‌کردند.

۲- اعتقاد به ولایت فقیه که همه‌ی مجاهدین و متفکرین مسلمان که برای ایجاد حکومت اسلامی مبارزه می‌نمایند تا گزیر باید معتقد به این اصل که همان ولایت امر است، باشند.

۳- اعتقاد بر اینکه زیربنای ریشه‌کنی ظلم و استبداد و رفع محرومیت از مردم ستمدیده و پراکنده، وحدت و همبستگی است و این مبنا توانست هزاران مرد و زن و پیر و جوان را برای تحقق این باور متحد نماید و در این راه هزاران نفر جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند.

۴- اعتقاد بر اینکه تنها اساس زندگی و راه موفقیت و آزادی جهاد در راه صلح و اقامه‌ی عدل و رفع تبعیضات نژادی و قبیله‌ی و مذهبی است.

۵- احیای هویت ملتهای محروم افغانستان مخصوصاً ازبک و هزاره که با آقای نادری گفته بود تا هزاره گفتن برای ما توهین تلقی نگردد و راستی عملاً انجام داد، مکرر در اوایل ریاست، استادربانی از شهید مزاری مکرراً دعوت می‌کرد تا به دربار بیاید، ایشان قبول نمی‌کردند. خود استاد ربانی در علوم آمد و امتیازات شخصی را برای استاد مطرح نمود ولی ایشان با صراحت در مقابل استاد و حقوق سیاسی و اجتماعی و مذهبی مردم خود و مشارکت همه‌ی اقوام و ملیت‌های محروم کشور را در قدرت سیاسی مطرح نمود.

اما در زمینه پاسداری از دستاوردهای این شهید بزرگوار نیز می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- در این زمان که جهان کفر و استکبار با تمام تفرقه‌های نژادی و جغرافیایی و سیاسی و ملی در برابر اسلام متحد شده‌اند، مسلمانان باید به دستور اسلام تحت لوای اسلام تجمع نمایند و ملی‌گرایی که توطئه‌ی استعماری و انحراف است از مبنای اصولی اسلام، کنار بزنند.

۲- تشکیلات امت واحده ایجاد نموده برای به وجود آوردن حکومت جهانی اسلام و رهبری واحد اسلامی، البته نهادهای مردمی و نهضت‌های اسلامی مهم‌ترین وظیفه را بر دوش دارند.

۳- از دستاوردهای استاد شهید که الهام گرفته از مکتب انبیا و ائمه (ع) و علماً مخصوصاً حضرت امام بزرگوار، خمینی کبیر و مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است همواره به عنوان وظیفه‌ی دینی آگاه در عمل انجام دهند که امام فرموده است (انما الحیات، عقیده و جهاد) و در این راه اگر کشته شوید شهید خواهید بود.



پیشنهاد اتحاد چهار گروه عمده، یعنی حزب وحدت، جمعیت، جنبش ملی و حزب اسلامی به منظور ایجاد اتحاد و همبستگی میان اقوام عمده‌ای افغانستان یعنی اقوام هزاره، ازبک، تاجیک و پشتون از سوی ایشان مطرح گردید و خلاصه رهبر شهید برای اینکه اقوام از هم پاشیده‌ی افغانستان را جمع کند، تا آخرین حد امکان کوشید و در آخر جانش را نیز در این راه فدا نمود.

بنابراین با قاطعیت می‌توانم بگویم که ایشان مرکز و محور بزرگ وحدت ملی در افغانستان بود و با شهادت ایشان این وحدت ملی ضربه‌ی مهلک و جبران‌ناپذیری خورد.

## شهید مزاری، حق را برای همه می‌خواست

• بشیر رحیمی - شاعر

مسلم این است که در جوامع انسانی سازه‌های اجتماعی در جامعه‌های دینمند، ناهمگونی‌هایی وجود دارد که بدون شک آرایه‌های آن جوامع را بنیاد می‌نهد؛ از آنگاهش زیر و رو‌هایی به مرتبت می‌رسد که ایستایی آن عوامل و علل و نژادهای را خواهان است که این عوامل باید از جریان زیر و رو شدن اوضاع به بار برسد تا بتواند روند موجود را مهار کند. زیرا عاملی که از لای پیچ خورد اوضاع و ناهمخوانی آرایه‌های اجتماعی و بافت‌های نادرست حکومتی به ظهور می‌رسد، در بهبود دهنی و تعدیل ناهنجاری‌ها نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد.

در جامعه‌ی ما نیز که آرایه‌ها با پاسخگویی به سازه‌ها و اصول ساخته‌ی موجود از هم سنجی با کاراکنه‌هایی که هرگز از حضور خود عقب‌نمانده‌اند، باز ماند و گره‌گاه‌های بایسته را از چشم انداخت، مظاهر اصلاح طلبی قامت یافتند تا جایگاه مظلوم خود را در مؤلفات موجود به احراز آورند که بدون شک، رهبر شهید یکی از بارزترین این عوامل اصلاح خواهی بود. شهید مزاری با درک و دریافت از اصول پیش ساخته و متفرعات مطابق با آن اصول، به موج آمد تا طرح تازه‌ای را به بار بنشانند که در آن طرح، موجودیت و مرتبت محتوم ملیت‌های ساکن در افغانستان در نظر گرفته شود و مؤلفات آن حضور همه‌ی مردم این کشور باشد و البته با حفظ شئون انسانی و حقوقی و احترام در خور. هم از سویی باید اضافه کنیم که شهید مزاری نه تنها خواهان حضور ملیت خود در تألیف‌های حکومتی بود، بلکه خواستار مشارکت در خور سایر اقوام در بنایه‌ی حاکمیت بود و این به معنای آن است که شهید مزاری یگانه خواستار همبستگی و وحدت ملی در افغانستان بود و می‌خواست با حفظ شئون ملیتی و حقوقی ملیت‌های محروم در بافت‌های حکومتی، همبستگی و یگانگی را به ثمر بنشانند و بداند انسان استقلال، آبادی و تمامیت ارضی افغانستان را تضمین نماید.

## رهبر شهید و تخریب نظام «سفله سالاری»

• پیغمبر مهروری - دانشجو

استاد عبدالعلی مزاری با تفکرات و اندیشه‌های والای خویش به جرگه‌ی مصلحان و آزادیخواهانی پیوست که در راه تحقق عدالت اجتماعی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و نهایتاً قربانی این راه گردید. برای تحقق آرمانهای رهبر شهید و به خصوص «عدالت اجتماعی» در افغانستان، مسؤولین و رهبران با دو موضوع مواجهند و نهایتاً دو نوع طرز تفکر و دو نوع تصمیم‌گیری:

۱- گردش در اتوپایی ذهنی

۲- در نظر داشت واقعه‌های اجتماعی

در صورت اول افراد در عالم واقعیت سیر نمی‌کنند و در مدینه‌ی فاضله معهود در ذهنشان گردش می‌کنند و لذت می‌برند. عموماً گردشگران اتوپایی ذهنی دارای طرز تفکری محدود بسته می‌باشند که از واقعه‌های اجتماعی دوری می‌جویند. و جسارت و شهامت روبرو شدن به معضلات ملموس عصر خود را ندارند و قطعاً تضامینی که این «قوامیتهای اتوپایی ذهنی» می‌گیرند، چون با توجه به مشکلات واقعی و عینیت‌های اجتماعی موجود نیست، نمی‌توانند مسایل بفرنج امروز مردم را چاره‌ای اندیشند. تنها در صورت دوم است که می‌توان امیدوار بود. و بر رهبران و

مسؤولین است که واقعه‌های اجتماعی روز را مد نظر بگیرند و به دور از هرگونه تعصب و پیشداوری در راه تحقق وحدت ملی در افغانستان تلاش نمایند. با ید مصلحت مردم و کشور را در نظر گرفت و با واقع بینی و باریک اندیشی و دور اندیشی، خالصانه و متعهدانه در راه صلح و یکپارچگی ملت‌های ساکن در افغانستان تلاش نمایند و در این راه صاحبان فکر و هم اندیشه و نیروهای متمهد و متخصص استفاده نمایند.

اگر مراجعه به تاریخ داشته باشیم، می‌بینیم عوامل شکست امپراتوری‌ها و سلسله‌های بزرگ حکومتی در جهان، همواره «انحصار» طلبی و عدم درک «واقعه‌های اجتماعی» توسط زعما و سردمداران این نظامها بوده است. طالبان هیچوقت نمی‌توانند حقوق ملیتها و جریانات موجود را نادیده بگیرند و متقابلاً زمامداران جبهه‌ی متحد هم نمی‌توانند هویت وجودی گروه طالبان را نادیده انگازند. گروه طالبان امروزه دارای هر اندیشه و مرامی که باشند باز هم بخش اعظم آن متشکل از مردمی است که در همین آب و خاک زندگی کرده‌اند. پس نهضت عدالتخواهی که شهید مزاری بنیانگذاری کرد جز با مشارکت همه‌ی ملیتهای ساکن افغانستان میسر نمی‌باشد. و مسؤولین و رهبران ما بنا شکستن دیوارهای «انحصار» و تقویت حس «همپذیری» و با عنایت به «واقعه‌های اجتماعی» موجود می‌توانند زمینه‌ساز این حرکت عظیم و مقدس باشند.

و فتح باب آن ایجاد سیستم «فضیلت سالاری» و متلاشی نمودن نظام «سفله سالاری» در تشکلهای شان می‌باشد. همچنانکه در عملکردهای رهبر شهید شخصاً مشاهده نمودیم؛ تا زیر بنای فکری و اندیشوی جنبشهای تحت اداره‌ی شان مستحکم گردند، که به هر بادی نغزود.

## رهبر مردمی

• مرثیه رحیمی - دبلمه

شهید مزاری یکی از چهره‌هایی است که در جهان اسلام درخشید، او از قلب استوار و مصمم سرزمین بخون نشسته‌ی افغانستان، (هزاره‌جات) طلوع کرد و طی یک ربع قرن در صحنه‌ی مبارزات فرهنگی، سیاسی، تشکیلاتی و نظامی فعالیت خویش را آغاز نمود.

او مانند امیرالمؤمنین علی (ع) دو سال و هشت ماه در برابر آماج خدنگ قاسطین، رگبار اتهامات مارقین و سیل نامردیهای ناکشین سینه سپر کرد.

اگر قدرت طلبش می‌خواندند، با ساده زیستن جواب می‌داد، اگر هزاره‌گرایی می‌نمایند از برابری تمام ملیتهای ساکن در افغانستان به نسبت جمعیت آنان صحبت می‌نمود، اگر اتهام شیعه‌ی بارتی به وی می‌زدند، با سران مذاهب دیگر هم پیمان می‌شد، و بالاخره اگر ضد سیدش توصیف می‌کردند، تمام کارکنان نزدیک خود را از سادات انتخاب می‌کرد و سرانجام خون خویش را همراه با خون محافظ صدیق و منشی شهیدش سید علی حکیم زاده که شانزده سال تمام در کنار او بود، یکجا برای بارور کردن درخت تنومند تشیع، در پیشگاه امت شیعه و امام زمان (عج) تقدیم کرد.

رهبر شهید، استاد عبدالعلی مزاری، یک موجود ساخته و پرداخته‌ی ذهن ملت تشیع نبود او حقیقتی بود بر قامت اساطیر و واقعیتی بود بر گونه‌ی افسانه‌ها، و نابغه‌ای بود که مظلوم زیست و مظلوم شهید شد.

او عصره‌ی سه قرن مظلومیت و محرومیت مردم هزاره بود، نزدیک به سه سال، مقاومت بی‌امان، او به «بایای استوار»، «بودای خاموش»، «بکوه آرام»، «هلمند خروشان» و «هندوکش اجانب شکار»، طعنه زد.

او تنها زبان گویای ملت تشیع هزاره و دیگر ملیتها محروم نبوده بلکه مدافعی دلسوز حقوق زن و طرفدار مخلص برای زنان مظلوم افغانستان بود، او معیارهای رهبری و ویژگیهای یک رهبر مردمی را که همان ساده زندگی کردن و فرقی نگذاشتن بین حقوق زن و مرد است برای جامعه‌ی خویش به ارمغان گذاشت و هنگامی که همه‌ی گفتنی‌ها را بیان کرده و همه‌ی انجام دادنی‌ها را انجام داده بود در آسمان غرب کابل با لبخندی آرام و قلبی سرشار از رستگاری غروب کرد.

اکنون که او در میان ما نیست و گروهک بی‌نام و نشان طالبان او را از ما گرفته است، این سؤال مطرح است که وظیفه‌ی ما زنان جامعه‌ی تشیع در این شرایط چیست؟ آیا باز هم مانند گذشته به یاره سزاییهای مولوهای بی‌انصافی که می‌گویند: زن و شیعه در افغانستان حق رأی

ندارند، گوش فرادهم؟ یا گول اشک تمساح ریخته‌های باندهای شرارت پیشه‌ی خلق و پرچم را بخوریم؟ و یا دست روی دست گذاشته و سکوت اختیار کنیم؟

ما به تمامی رهبران جهاد افغانستان می‌گوییم که غیر از باورها و افکار رهبر شهید، استاد عبدالعلی مزاری هیچ ایده و برداشت دیگری در مورد حقوق زن در جامعه‌ی افغانستان جایگاهی ندارد.

## راه مزاری، راه اسلام بود

• مترجم آیت‌الله پروانی

اهداف استاد مزاری از ابعاد مختلفی قابل بحث است. یکی از اهداف استاد مزاری، عدالت اجتماعی بود که در بین جامعه‌ی افغانستان عدالت برقرار شود و هیچ جمعی به مجمع دیگر برتری نداشته باشد و حاکمیت یک جمعیت بر جمعیت دیگر آن هم با حاکمیت نامطلوب و نادرست استبدادی درست نیست.

یکی دیگر از آرمانهای استاد شهید پیاده کردن معیارهای اسلامی در سطح جامعه‌ی افغانستان بود، یعنی نظرشان این بود که با تمام امکانات و ابزار باید تلاش کرد تا فرهنگ اسلامی، قرآنی و سنت پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌ی دین در بین جامعه به صورت درست پیاده بشود و جنبه‌های خرافی آن از بین برود که شامی دانید در بین جوامع اسلامی، مخصوصاً در افغانستان یک سلسله مسایل خرافی به عنوان معیارهای دینی و برخاسته از دین و مدارک دینی در بین مردم تبلیغ و ترویج می‌شد.

از اهداف دیگر ایشان ظلم ستیزی بود، هر کسی که می‌خواهد یک تحول و انقلاب خوب و درست و اصیل در بین جامعه پیاده شود، نظرش ظلم ستیزی و همینطور عدالت اجتماعی و پیاده کردن فرهنگ اسلامی خواهد بود.

من معتقدم که برای ادامه دادن به این آرمانها، انسان باید متمسک شود به معیارهای دینی و قرآنی که در این راستا می‌تواند به همه‌ی آرمانهایی که شهید مزاری داشت، ادامه بدهد. یکی از آنها این است بلکه راه منحصر هم همین است، مسلمان وقتی که مسلمان بود و دین را قبول کرد و اسلام را قبول کرد، طبیعی مسأله است که باید معیارهای اسلامی را هم قبول کند و هم در صدد عمل به آن بشود، یعنی عمل هم بکند. اینهایی که ذکر کردم، آرمانهایی بود که چکیده از معیارهای اسلامی است. بنابراین مسأله‌ی اسلام در اینجا روشن است. اینکه شهید مزاری عدالت اجتماعی می‌گوید، اسلام هم عدالت اجتماعی را تأکید و تأیید کرده. اینکه مزاری ظلم ستایی را می‌گفت و مطرح می‌کرد که ظلم نباشد و ظلم ستا بود، یقیناً قرآن و کتاب اسلام این را تأیید و تأکید کرده. اگر مزاری حمایه از مستضعفین می‌کرد، قرآن باز هم حمایه‌ی از مستضعفین را تأیید کرده است.

پس بنابراین یگانه راه یا راه منحصر به فرد، همین اتکا به اسلام و اتکا به قوانین اسلام و معیارهای اسلامی است که می‌شود انسان به اتکای اسلام راه مزاری و آرمان مزاری را ادامه بدهد.

حزب وحدت هم می‌تواند با تمام امکانات و ابزارهای که دارد در این راستا تلاش بکند تا اسلام در بین جامعه پیاده بشود و معیارهای اسلامی را در بین جامعه تبلیغ کند و جامعه را عامل بسازد و خودشان هم عمل بکند به قوانین و معیارهای اسلامی.

در اخیر دعا می‌کنم که روح شهید مزاری شاد باشد و زیر پرچم و لوی اسلام همه‌ی ما گامهای برجسته و خوبی برداریم، تا بتوانیم جامعه‌ی خود را یک جامعه‌ی مذهبی و دینی تربیه کنیم. البته با عنایت به اینکه تمام مکاتب در تلاشند تا افکار و اندیشه‌ی خود را در بین جامعه‌ی اسلامی پیاده بکنند. و مخصوصاً در این اواخر مسأله‌ی گرایش عنصری و نژادی در بین جامعه زیاد پیدا شده که امیدوارم با عمل کردن به قرآن، روایات و سنت ما بتوانیم مسأله‌ی گرایش نژادی صرف و مطلق را از بین ببریم، البته مسأله حمایه‌ی نژاد و حمایه‌ی عنصر خویش همه وقت محکوم نیست، انسان اگر بخواهد یک نژادی را که عقب افتاده و در استضعاف قرار گرفته و سالیان دراز بالای او ظلم شده، اگر این را حمایه بکند که در قطار دیگران قرار بگیرد مسأله‌ی نیست. اگر کسی بخواهد نژاد خود را بر دیگران آقا و سردار و حاکم و اینها بداند آن وقت این از نگاه شرع مذموم است، درست نیست. امیدوارم انشاءالله ما جنبه‌ی مثبت قضیه را تعقیب بکنیم و جامعه‌ی ما هم از این حالت فقر و ستم بیرون بیاید.

## شهید مزاری به مبارزه‌ی بین‌المللی اسلامی اعتقاد داشت

• مقرر و اعظمی - رییس شورای نمایندگان حزب و هرت

شهید مزاری یکی از پیشکوتان مبارزه بوده و مبارزه‌ی شهید مزاری در برابر ظلم، ستم و بی‌عدالتی از زمان ظاهرخان شروع شده بود و بعد هم در زمان داوود خان در افغانستان احساس مبارزه را داشت. وقتی که برای تحصیل وارد قم شد، به تنها چیزی که می‌اندیشید عدالت اجتماعی و احقاق حقوق ملیتهای محروم افغانستان بود، با حلقه‌ها و شخصیت‌های مبارز کشورهای خارج تماس تنگ‌تنگ داشت و به یک مبارزه‌ی بسیار وسیع، جهانی و بین‌المللی معتقد بود، در همین رابطه تلاش می‌کرد که با همه‌ی چهره‌های مبارزه‌ی خارج کشور در سطح جهان اسلام ارتباط برقرار کند و این تماس‌ها بسیار تنگ‌تنگ و صمیمی و خالصانه بود.

در همین رابطه بود که با شخصیت‌های برجسته‌ی انقلابی و مبارز در جمهوری اسلامی ایران مثل مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارتباط بسیار نزدیک و صمیمی و دوستانه داشت و همچنین با شخصیت مبارز و انقلابی شهید مظلوم، دکتر بهشتی و شهید باهنر مخصوصاً شهید رجایی در زندان اوین هم سلول و هم زندان بود و تمام هم و غمش نجات مردم محروم و مظلوم بود و برقراری حکومت اسلامی و دولت اسلامی در سطح جهان اسلام. مخصوصاً تلاش می‌کرد که در افغانستان هم یک حکومت اسلامی و بر اساس عدالت اجتماعی برقرار باشد و از ظلم و رنج و محنت و فشاری که مردم افغانستان از دست حاکمان وقت می‌دیدند، سخت متأثر بود. و از آن جهت خیلی ناراحت بود.

## حضور زنان در جامعه

• مرثیه ناطق - معاون کمیسیون امور زنان - قم

فکر می‌کنم که رهبر شهید درباره‌ی نقش و حقوق زن در اجتماع موافق بودند چونکه زن نیمی از یکپاره‌ی عظیم انسانی را در بر می‌گیرد و از این جهت که در آیین‌نامه‌ی حزب وحدت دیده شده و وجود دارد که زن نیز در امور سیاسی و اجتماعی می‌تواند دوشادوش مردان در عرصه وجود داشته باشد و برای همین منظور در کادر اجرایی حزب وحدت خواهران نیز حضور دارند و اولین گروهی که به زنان بها داده‌اند (به نظر بنده) حزب وحدت می‌باشد. روی همین دلیل، بنده نیز تصور می‌کنم که رهبر شهید درباره حضور زنان در جامعه و نقش داشتن آنها اهمیت بسیار می‌داده‌اند.

رهبر شهید فردی جهادی و مبارز بود و هدف ایشان گرفتن حق مردم مظلوم شیعه بود و زندگی سراسری آرایش و دور از هرگونه چشم داشتی به دنیا داشت و مصالح و منافع مردم را بر مصالح و منافع خویش ترجیح می‌داد. شهید مزاری با خون خود هویت ما را هویدا کرد و فریاد مردم مظلوم خود را به گوش جهانیان رساند و مردم ما را از خواب غفلت بیدار کرد و مردم ما چون پر توقع نیستند همین بس که خدمتی برای آنها انجام شود و به همین خاطر در دل مردم محبوب و عزیز می‌باشند و بلکه همه‌ی مسئولینی که دلسوزانه به مردم خدمت می‌کنند نیز محبوب این مردم می‌باشند اما گروهی اندک که همه چیز را در این دنیا ثروت و ثروت اندوزی می‌دانند و فقط به فکر منافع خود هستند با عملکرد رهبر شهید مخالفت می‌کنند چون راه درست را تشخیص نمی‌دهند.

## ما هم مثل دیگران هستیم

• میر محمدی - طلبه

ما وقتی تاریخ مردم خود را بررسی می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم ۶۰ درصد از مردم ما در دوران عبدالرحمن جلاد از بین رفت و از نظر روانی مردم ما بسیار تحقیر شد و به همین علت روحیه‌ها و هویت‌شان را از دست داده بودند و این باور را برای مردم ما به وجود آورده بودند که ما نمی‌توانیم به عنوان یک ملت و یک قوم در عرصه حضور داشته باشیم.

شهید مزاری برای شکستن این روحیه و طلسم، نقش بسیار برجسته‌ای را ایفا کرد و این باور را به وجود آورد که ما می‌توانیم رهبری تشکیلات سیاسی داشته باشیم و می‌توانیم در تمام عرصه‌ها نقش

داشته باشیم. این موضوع را رهبر شهید با کارهای خود در غرب کابل که از حزب وحدت یک قدرت تأثیرگذار در معادلات کشور ساخت، عملاً اثبات کرد و متجاوزین به حقوق مردم را سر جای‌شان نشاند.

پس از ایجاد این باور بود که استعدادهای خفته‌ی مردم ما ظاهر شد و حال جامعه‌ی توسری خور و هویت‌باخته‌ی ما دارای مرجع تقلید و شخصیت‌های برجسته‌ای در ساحات سیاسی، علمی، فرهنگی و نظامی

## مردم نمی‌گذاشتند هلیکوپترها پرواز کنند

میه‌الاسلام والمسلمین آقای ممدی (مسئول حوزه‌ی یک‌هولنگ)

مردم یک‌هولنگ از روزی که شهادت استاد و یاران عزیزش را شنیدند همه با پرچم‌های سیاه و دسته‌های سینه زنی و عزاداری در مرکز حاضر شدند، ضمن عزاداری، برای رسیدن جنازه‌ی استاد شهید لحظه شماری می‌کردند. حوزه‌ی یک‌هولنگ ضمن اطلاع رسانی به مردم از جریان انتقال و نحوه‌ی تشییع پیکر پاک استاد شهید هیأتی مرکب از اعضای حوزه و علما و معلمین و فرماندهان و موسقیدان را با سی عراده موتر کاماز استقبال پیکر شهید مزاری فرستادند که این هیأت با همت رانندگان یک‌هولنگ مسیر «خم نیل» را که سردترین نقطه‌ی هزاره‌جات است طی کرده و قبل از رسیدن جنازه‌ی استاد شهید به بامیان تا پای کوتل حاجی‌گک سر راه شان رفته از آنجا تا بامیان و از بامیان الی یک‌هولنگ همراه با مشایعت‌کنندگان که از غزنی و بهسود و بامیان آمده بودند پیکر استاد را انتقال دادند. بخش فرهنگی حوزه‌ی یک‌هولنگ با دایر نمودن جلسات و سخنرانی‌های اطلاعات روزمره و کیفیت تشییع و رسیدن پیکر استاد مزاری و یارانش را و نحوه‌ی استقبال مردم در مسیر راه را به اطلاع مردم داغدیده و چشم انتظار یک‌هولنگ می‌رسانیدند.

تعداد شرکت‌کنندگان در تشییع پیکر شهید مزاری در یک‌هولنگ حدود سی و پنج هزار نفر زن و مرد تخمین زده شد که از ولسوالی‌های پنجاب، ورس، لعل، ولایت ارزگان و عده‌ای هم که از بامیان، بهسود و غزنی با جنازه آمده بودند، حضور داشتند. اما عمده‌ی مشایعت‌کنندگان از یک‌هولنگ بودند که نسبت به علاقه‌ای که به استاد شهید داشتند به استقبال پیکر پاک استاد شهید و تجدید میثاق با آرمان‌های آن شهید بزرگوار تجمع کرده بودند.

از این تشییع دو خاطره از یاد نمی‌رود. یکی آنکه در منطقه‌ی فیروز بهار یک‌هولنگ وقتی که ما سر راه جنازه‌ی استاد شهید رفتیم، موتر حامل جنازه در مقابل مشایعت‌کنندگان رسید. مردم، زن و مرد آنقدر گریه می‌کردند و به سر و صورت می‌زدند و زنان موهایشان را با دست می‌کنندند.

دیگر اینکه هنگامی که جنازه در بین هلیکوپتر گذاشته شد و کسانی که با جنازه به طرف مزار می‌رفتند به هلیکوپتر سوار شدند و هلیکوپتر بنا شد که حرکت کند، دیدم همان جمعیت انبوه که دور هلیکوپترها جمع شده بودند، دیوانه‌وار فریاد می‌کشیدند و به طرف هلیکوپتر هجوم آوردند که هلیکوپتر نتوانست پرواز کند و بالاخره با دخالت مؤولین حوزه و علما و فرماندهان نظامی، مردم از اطراف هلیکوپتر دور شدند و هلیکوپترها پرواز نمودند و تا وقتی که هلیکوپترها در آسمان یک‌هولنگ دیده می‌شدند، چشم مردم طرف آسمان بود و فریاد مزاری مزاری سر می‌دادند. گویا اینکه همه‌ی امیدشان را از دست داده بودند.

نحوه‌ی تشییع پیکر شهید مزاری از غزنی تا یک‌هولنگ در دهه‌ی اخیر برج حوت صورت گرفت که معمولاً در آن زمان مناطق غزنی، دای میرداد، سرچشمه، کوتل اونی، بهسود، و راه سیاه سنگ و کوتل حاجی‌گک پوشیده از برف است و اتفاقاً در آن شبانه روز بارش‌های شدید برف تمام مناطق را فرا گرفته بود که مردم با عتق و علاقه‌ای که به رهبرشان داشتند در زیر بارش برف و سرمای زیر صفر جنازه‌ی استاد شهید را تشییع و بر سر دوشان حمل می‌کردند و در هر منطقه‌ای که می‌رسیدند، گروه گروه به جمعیت مشایعت‌کنندگان افزوده می‌شد. طبعاً انتقال به کندی صورت می‌گرفت روی این جهت بود که ما تصمیم گرفتیم از بامیان الی یک‌هولنگ جنازه‌ی استاد را با موتر انتقال دهیم، چون تمام شخصیت‌های سیاسی و نظامی کشور و یاران استاد شهید، در مزار شریف جمع شده بودند و انتظار رسیدن جنازه‌ی استاد را می‌کشیدند.

شده، این باور که ما هم مثل دیگران هستیم، عملاً به وجود آمد. از دیگر خصوصیات بارز شهید مزاری این بود که با مردم خود صادقانه برخورد می‌کرد و قول بلاعمل برای مردم خود نمی‌داد، این سبب شده بود که ایشان در میان مردم به عنوان یک رهبر صادق شناخته شود و اطمینان مردم را جلب کند. به گونه‌ای که وقتی ایشان یک مطلب را از کابل اعلام می‌کردند، مردم در داخل و خارج گوش به فرمان ایشان بودند.

اما عملکردها بعد از شهید مزاری چنین نبوده است، بارها آقایان در محضر عموم اعلام کردند که ما خود را فدای مردم می‌کنیم و در راستای حقوق سیاسی مردم خود حرکت می‌کنیم و بارها اعلام کرده‌بودند که دشمنان مزاری دشمن ما و دوستان او دوستان ما است، ولی در عمل خلاف آن را انجام دادند. در بخش نظامی هم رهبر شهید می‌گفت که تا من زنده هستم، مردم خود را تنها نمی‌گذارم و عملاً هم چنین کرد. ولی بعد از ایشان شعارها داغ‌تر از شهید مزاری بود ولی در عمل صحنه را ترک کردند و به وعده‌هایی که داده بودند وفا نکردند و این بیانگر عدم پای بندی آنها به اهداف شهید مزاری است.

## مزاری برای ما عزت آورد

• ممد ناصر عارفی - شاعر

استاد شهید نسل در بند را از خواب بیدار کرد و او حق بزرگی بر گردن مردم دارد. استاد شهید یک آن هم مردمش را تنها نگذاشت و تمام سختی‌ها را متحمل شد تا مردمش راحت باشند و برای او مقام و منصب و نام و نان مطرح نبود و شهادت مظلومانه‌ی آن مرد تاریخ‌ساز بهترین گواه بر این مدعا است. من متقدمم اگر استاد شهید زود پرواز نمی‌کرد و در بین مردم خودش می‌ماند، قطعاً از حقوق مردم بهره‌اش دفاع می‌کرد و شاید شاهد این همه سیه‌روزی و بدبختی و دربدری برای جامعه‌ی مان نبودیم.

بعد از آنکه استاد توسط گروه انحصار طلب طالبان شربت شهادت نوشید، متأسفانه عزت و اقتدار مردم ما فرو ریخت و ما علناً جای خالی رهبر شهید را احساس کردیم و کسی نتوانست این ضایعه را جبران کند. از خصوصیات رهبر شهید این بود که او رفاه طلب و دنیا پرست و راحت طلب نبود، او تمام تلاشش این بود که حقوق مردم ریسمان بدوش را احیا کند برای استاد قابل قبول نبود او زنده باشد و مردمش را به وضعی ببیند که اختیار مال و جان و ناموس خویش را نداشته باشند. استاد شهید برای مردمش عزت آفرید خیلی کسانی بودند که منکر تشییع در افغانستان بودند، اما مزاری عزیز از غرب کابل فریاد کشید و برای دنیا نشان داد که شیعه و هزاره در افغانستان چشمگیر است و کسی نمی‌تواند این حقیقت را انکار نماید.

استاد مزاری یک زاویه‌ی دید وسیعی داشت او تنها به مردم هزاره و شیعه و یاب به این منطقه و آن منطقه نمی‌اندیشید بلکه به افغانستان بما هو افغانستان می‌اندیشید بارها فریاد کشید که افغانستان خانه‌ی مشترک تمام اقوام ساکن در افغانستان است در این خانه‌ی مشترک باید همه از حقوق مساوی برخوردار باشند.

امیدواریم رهبران و سیاست مداران عزیز درد و رنج مردم شان را احساس نموده و مانند استاد شهید در صد احقاق حقوق از دست رفته مردم شان باشند.

## خون من رنگین‌تر از خون جوانان غرب کابل نیست

• مقرر رمزهو - عضو شورای مرکزی حزب و هرت

اگرچه استاد شهید به عنوان یک شخصیت بزرگ مذهبی و ملی و یزگیهای بسیار خاص و برجسته‌ای داشت از جمله شجاعت، عزت، صداقت و تقوا که همه‌ی اینها مجال بیشتری برای بحث می‌خواهد. اما من فقط به یک خاطره از آخرین روزهای حیات ایشان اشاره می‌کنم: روز چهارشنبه در آخرین جلسه‌ی شورای مرکزی حزب در کابل که حلقه‌ی محاصره‌ی غرب کابل هم کاملاً تنگ شده بود، در جلسه‌ی قبلی آن، بنده او چند نفر دیگر وظیفه داشتیم که دیوهای مهمات حزب را بررسی کنیم، در دیوهای حزب در ایام جنگ امکانات نقیله‌ی نظامی بسیار کم باقی مانده بود و ما آمدیم گزارش را در شورای مرکزی تقدیم استاد کردیم و از وضعیت موجود ما ک تحول ناگواری را پیش بینی

می‌کردیم. وضعیت را کاملاً به استاد گزارش دادیم که امکانات ثقیله نیست و راه‌های تدارکاتی بسته است و نیز این امکان وجود ندارد تا امکانات وارد غرب کابل کنیم از طرف شرق هم جنگ به شدت ادامه داشت و از طرف جنوب هم طالبان فشار خود را افزایش داده بود و ما تذکر دادیم که امکان سقوط غرب کابل موجود است.

دو پیشنهاد خدمت استاد ارائه کردم. ۱- خود استاد از غرب کابل بیرون شود و یک جمعی را به عنوان شورای تصمیم‌گیری در اینجا وظیفه بدهد. زیرا ما اگر رهبری مثل شما را زنده داشته باشیم ولو اگر تحولی هم پیش بیاید و شما در هر کجا باشید، این مردم با احساس و قدرشناسی تماماً در محرومیت شما گردمی‌آیند و ما نهایتاً مشکل چندانی نخواهیم داشت. در صورتی که شما زنده باشید. در آینده نیز حزب و تشکیلات زنده است و اگر خدای ناخواسته برای شما کدام حادثه‌ای پیش بیاید، مطمئناً سرنوشت مردم ما دگرگون می‌شود. و شما باید این پیشنهاد را قبول کنید.

۲- اگر صلاح بدانید بار دیگر پیشنهاد آتش بس به دولت بدهید، بخاطر اینکه استراتژی حزب وحدت بر این بوده که ما ملیتهای محرومی که در گذشته‌ها دارای یک سرنوشت مشترک بوده‌ایم، تصمیم مشترک درباره‌ی طالبان بگیریم.

استاد پس از استماع صحبت‌های من فرمودند: «آقای رزمجو! من به

مرنجان به غرب کابل جابجا شده بود، فردای آن روز، دولت آن وقت تمام مناطق غرب کابل را زیر آتش گرفت و تا شب موشک باران کرد. در این شرایط به کمیته‌ی فرهنگی خبر آمد که در مرکز شهر شایعه است استاد مزاری فرار کرده است و نیروهای دولت در پل «آرتن» آمادگی حمله به غرب کابل را گرفته است. ما این خبر را به شهید مزاری رساندیم و ایشان فرمودند که از طرف کمیته‌ی فرهنگی اعلام کنید که در مسجد امام خمینی دشت آزادگان سخنرانی برگزار است.

ساعت در حدود سه و نیم و یا چهار بعد از ظهر بود و ما وقت کافی برای پخش اعلامیه و... نداشتیم لذا یک بلندگو را روی ماشین نصب کردیم و از مسیر کمیته‌ی فرهنگی تا مسجد به مردم اعلام کردیم که ساعت ۴/۵ بعد از ظهر سخنرانی است. وقتی که با موتور به مسجد رسیدیم، مشاهده کردیم که تمام خیابانهای اطراف مسجد مملو از جمعیت است و وقتی استاد مزاری آمد، مردم با شور و هیجان غیر قابل وصف و با شعارهای صل علی محمد رهبر ما خوش آمد و... از ایشان استقبال کردند و این همان آخرین سخنرانی استاد شهید بود که در آن گفته بود من می‌خواهم حقوق شما را بگیرم و آرزوی منم تا در بین شما شهید شوم و... تمام جمعیت اشک بود و ماتم بود و...

\* \* \*

۳- تعدادی از بچه‌های کمیته‌ی فرهنگی رفته بودیم خدمت استاد

## فرق است بین رهبر و رئیس

• مترجم پنهان قاسمی

حزب وحدت اسلامی افغانستان که رهبر شهید اداره‌ی آن را به عهده داشتند، از جوکات یک گروه سیاسی جلو تر کشیده شده بود. یعنی همه‌ی هزاره‌ها و شیعه‌ها از حرکت و سیاستهای رهبر شهید حمایت می‌کردند، نه تنها استاد شهید حمایت و وحدتی‌ها را داشتند بلکه حمایت همه‌ی گروه‌های سیاسی، بخصوص حرکت اسلامی را داشتند، همه شاهدند در جریان دفاع و مقاومت سه سال غرب کابل نیروهای حرکت اسلامی - مسلح و غیر مسلح - از سیاست‌های مدیرانه‌ی بابه مزاری پیروی می‌کردند. این اعتماد را که رهبر شهید کسب کرده بودند، کار آسانی نبود ولی در جریان سه سال مبارزه و مقاومت، بابه مزاری کبیر در بین تک تک مردم صداقت و وفاداری خود را نسبت به آرمان والای مردم ثابت نمودند و همه‌ی مردم مطمئن شدند که مزاری کسی نیست که به سرنوشت مردمش وارد معامله شود و جز عزت و سربلندی مردم خود چیز دیگری نمی‌خواهد.

لذا بود که حمایت بی‌دریغ مردم را جلب نمودند و در واقع حزب وحدت اسلامی افغانستان را استاد شهید بیمه کرده بودند، هیچ قدرتی نمی‌توانست مردم را از حزب وحدت و استاد شهید جدا سازد که این کار، کار هرکسی نیست و نخواهد بود.

ویژگی دیگری را که بابه مزاری داشتند این بود که مزاری یک مبارز و انقلابی بود. برای او آرمانش مطرح بود، نه ریاست و مقام، این ویژگی‌های برجسته‌ی بابه مزاری بود که محبوبیتش را در دلها حک نموده است؛ شاید کسان زیادی باشند که هوای رهبری مردم را در سر داشته باشند که این جامعه در تن آنها فراخی خواهد کرد و زیر این بار سنگین مسؤولیت، فدشان خم خواهد شد. اگر واضعتر عرض کنم، رهبری مردم قربانی می‌خواهد، مقاومت می‌خواهد، از خودگذری می‌خواهد. به کسی که با تمام وجود درد و مشکلات مردم را لمس کند و برچمدار مردم باشد، دوشادوش مردم قرار داشته باشد، می‌شود رهبر گفت در غیر آن صورت فقط می‌توان او را رئیس نامید.

رئیس شدن با رهبر شدن بسیار فاصله دارد، کسانی که ریاست می‌خواهند توان قربانی دادن را ندارند. لذا است که رهبری کاری بس دشوار و سنگین است، هرکسی آرمان بابه مزاری را بخواهد پیاده کند باید مانند ایشان گام به گام، صداقت و وفاداری خویش را عملاً به مردم ثابت نماید. خودگذری داشته باشد جز عزت برای مردم خود، چیز دیگری برایش ملاک نباشد.

۵- در سال ۷۳ یک کمیسیون از طرف دولت موظف شده بود که قانون اساسی افغانستان تدوین نماید. در این زمان از طرف حزب وحدت اسلامی یک سیمینار برای بررسی مسایل افغانستان را در دانشگاه کابل برگزار شد. استاد در این سیمینار بسیار مفصل صحبت کردند... پس از پایان سیمینار که شرکت‌کنندگان در صحن دانشگاه در حال بیرون آمدن بودند، همه‌ی روشنفکران با هم صحبت می‌کردند که استاد مزاری یگانه پشوتانه‌ی جامعه‌ی روشنفکری و علمی است و استاد مزاری یگانه حامی افغانستان مترقی می‌باشد.

## مزاری منحصر به فرد بود

• ابراهیم مبلغ - معاون لوی الی

ویژگیهای یک رهبر حقیقی که عمده‌ی آنها: دینداری، خردمندی، عدالت، صداقت و تعهد است در وجود استاد شهید هویدا بود که چنین خصوصیت‌هایی بعضاً در هیچ یک از رهبران معاصر افغانستان وجود ندارد.

استاد شهید در گفتار، عمل و تمام تعهداتش صادق بود. شاهد صادق بر این مدعا این است که رهبر شهید هر قول و تعهدی که به ملتش داده بود، عمل کرده است.

یکی دیگر از خصوصیات منحصر به فرد او در میان رهبران افغانستان؛ ساده زیستی، بی‌آلایشی و بی‌توجهی به مادیات بود. وقتی زندگی شخصی استاد را بررسی کنیم، زمانی که در رأس امور بود، با زمان قبل از آن هیچگونه تغییری نکرد، بلکه در پایین‌ترین مرتبه از زندگی مادی قرار گرفته است. چون راه درآمدی نداشت و از بیت‌المال هم که استفاده نمی‌کرد.

استاد مزاری از شهرت طلبی متنفر بود و هیچ‌گامی در صدد مطرح کردن خود بر نیامد و این عمل، کردار و صداقت مزاری بود که او را در قلب‌ها محبوب ساخت و در عمق اندیشه‌ها جاداد، تا اینکه به دبیرکلی او اکتفا نکرده او را به رهبری برگزید و او را پدر پابرهنگان یاد نمودند.

مزاری در شجاعت، صراحت و درایت زبانزد بود، چنانکه شجاعت و هیبت او ارکان دشمن را به لرزه می‌افکند و توان مقاومت را از آنان سلب می‌نمود و به نیروهای خودی در جهات، توان روحی و قدرت قلب می‌بخشید و ملتش در پناه او آسوده خاطر بود.

صراحت او در موضع‌گیریها، مورد شگفتی حریفان بود و درایت سیاسی او تمام سیاستمداران را به حیرت آورده بود و نیز موجب شده بود که سازمانها و نهادهای مصلح بین‌المللی و کشورهای دیگر در راستای صلح ملی و حکومت فراگیر در افغانستان کار می‌کردند، نظرات و دیدگاه‌های ایشان را بسیار مهم شمرده و ملت هزاره‌ی شیعه را به عنوان یک طرف مؤثر در قضایای افغانستان پذیرفته بود.

## نباید گذاشت آرمان مزاری پایمال گردد

• بهت آور پناهی - معلم

از دیدگاه شهید مزاری، زن به عنوان قشری از جامعه می‌تواند در اجتماع فعال باشد و از حق رأی و نظر برخوردار باشد. استاد شهید همواره با دیده‌ی باز به این قشر می‌نگریست. در بیانات ایشان دیده نشده که زنان و حقوقی را که در جامعه دارند، نفی کنند. ایشان برخلاف گذشته که زن را به عنوان یک قشر ضعیف و قابل ترحم دیده می‌شد، فعالیت خواهران را در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی پشتیبانی می‌کردند. ما امروز شاهد هستیم که خواهران ما هر کدام در دفاتر و ارگانهای مختلف اجتماعی فعالیت گسترده دارند و موجودیت خویش را چه در داخل و چه در خارج تثبیت کرده‌اند.

دستاوردهای رهبر شهید خیلی از مسایل و موانع را از سر راه ما برداشته، به طوریکه دشمنان ما از پیامدهای این دستاوردها دلیل و رسوا شدند. اما به نظر من از آنجایی که حرف ملت و مردم ما توسط احزاب و گروه‌ها زده خواهد شد، رهبران ما باید سعی کنند این دستاوردها را حفظ کنند و در نگهداری آن کوشا باشند. با تلاشهایی که استاد شهید فرمودند، این عزت و سربلندی موجود، برای جامعه‌ی ما به وجود آمده. بنابراین رهبران ما که در نظر دیگران آئینه‌ی تمام نمای ملت ما هستند، باید سعی کنند حق ملت ضایع نشود و یاد ایشان از ذهنها محو نشود و خون ایشان پایمال نگردد.

مزاری تا ایشان به ما خط بدهد که شامل دانشگاه کابل شویم. استاد به ما گفت که در افغانستان فعلاً همه چیز لوٹ شده، شما حداقل دامن پاک علم را لوٹ نکنید. شما بروید در کنکور شرکت کنید، امتحان بدهید، اگر قبول شدید بروید و اگر نه، نه. من نمی‌خواهم که دامن علم لوٹ شود. این حرفهای استاد مزاری، «تخصص مداری» و «علم مداری» ایشان را نشان می‌داد.

\* \* \*

۴- رهبری استاد مزاری برای مردم ما یک نوع احساس مسؤولیت عمومی و رسالت‌همگانی ایجاد کرده بود که همه نسبت به سرنوشت خویش احساس مسؤولیت می‌کردند.

در روزهای آخر که وضع غرب کابل بسیار حاد بود. از یک طرف طالبان آمده بود در منطقه‌ی دوغ آباد و... از طرف دیگر هم درگیری‌های شدید در قسمت‌های سیلو، دهمزنگ و... وجود داشت. در این شرایط ما خدمت استاد مزاری می‌رفتیم، دم دروازه یک خانمی منتظر ایستاده بود و اصرار می‌کرد که من باید استاد را ببینم. شهید سید علی به این زن گفت که استاد مصروف است. اگر کدام کاری داشته باشید به ما بگویید، پیام شما را به ایشان می‌رسانیم.

این زن گریه کرد و گفت حالا که مرا راه نمی‌دهید پیش استاد بروم، لاف‌ل این بسته را به استاد بدهید و بگویید که این همه‌ی هستی من بود که برای تان آوردم وقتی این بسته را در دفتر باز کردیم، حدود ۲۵ دانه مرمی کلاشینکف بود که برای استاد آورده بود.

\* \* \*

هیچ وجه از غرب کابل خارج نمی‌شوم، بخاطر اینکه دو تعهد به این مردم دارم، یکی اینکه تا زنده هستم این مردم را تنها نمی‌گذارم و هر چه که بر سر این مردم می‌آید من هم باید شریک آن باشم، اگر این مردم زنده باشد، زنده باشم و اگر کشته شود، خون من هم در کنار اینها ریخته شود. خون من بالاتر از خون جوانان غرب کابل نیست و خون من باید در ردیف اینها بریزد من اینها را تنها نمی‌گذارم. ما با اینها تعهد کرده‌ایم و بر این تعهد خود وفادار و ثابت قدم خواهیم بود.

## چند خاطره

• مترجم غنای - عضو شورای مرکزی حزب وحدت

۱- در تاریخ ۱۹/۱۲/۱۳۷۳ که غرب کابل سقوط کرد و فردای آن روز که ده‌ها هزار نفر سرگردان این طرف و آن طرف می‌رفتند و یک وضعیت بسیار خراب بر غرب کابل حاکم بود. در یک چنین وضعیتی که مردم در میان خون و آتش دست و پا می‌زدند، یک نفر از مردم نسبت به شهید مزاری نمی‌گفت که خدا نبخشد آقای مزاری را که این روز را بر سر ما آورده است و خانه‌ی ما را خراب کرد و... همگی در این فکر بودند و دعای می‌کردند که آقای مزاری از این وضعیت زنده و سالم بیرون شود.

\* \* \*

۲- در اواسط ماه مبارک رمضان سال ۷۳ بود که نیروهای حزب اسلامی چهار آسیاب را تخلیه کرده بودند و نیروهای جنبش هم از تپه‌ی

آتش بحران در افغانستان بیست و اندی سال است که زیانه می‌کشد و این تراژدی اسفناک هنوز هم ادامه دارد.

مدت بیست سال است که مردم بی‌پناه و ستم‌دیده افغانستان، به ویژه ملت‌های محروم به جرم عدالت‌خواهی و استقرار نظام عادلانه و مردم سالار در این آتش مخوف می‌سوزند و هستی و جان و مال و خانه و مزرعه را از دست می‌دهند.

در افق سیاسی گیتی و در فراسوی مصایب و رنج‌های بشری، تراژدی غمبار افغانستان به درجانی از فجایع و بحرانهایی چون و بالکان و مرکز آفریقا پررنگ‌تر و دردناک‌تر است. در کوزوو و بوسنیا هرزه‌گوینا که عنصر تصفیه قومی مشهود بود، باعث برانگیخته شدن افکار بین‌المللی گردید، در آفریقای مرکزی در جوار دریاچه‌های بزرگ در رواندا و... عنصر قتل عام بشری ثبت شد در چنین تعدی و فشار بر غیر نظامیان گزارش گردید. اما در افغانستان، مجموعه‌ای مرکب از همه جنایات، به اضافه تعدی بر زنان، کشت مواد مخدر و پناه دادن به اشرار بین‌المللی گزارش شده است، دبیر کل مؤسسه ملل متحد و آقای کوفی عنان هم به کرات نگرانی خویش و سازمان متبوعی خود را هم اعلام کرده است. اما گویا تا هنوز کدام راه حل کارآمدی از سوی هیچ یک از محافل داخلی و بین‌المللی برای پایان دادن به بحران ارایه نشده است.

با توجه به گستردگی کمی و کیفی فاجعه بشری در افغانستان و عدم تحرک کارآمد مؤسسه ملل متحد و کشورهای ۶+۲ که به نحوی متولی بحران قلمداد شده‌اند این استنباط در اذهان تداعی می‌شود که بدبختی و تیره‌روزی افغانستان‌ها باز هم باید ادامه پیدا کند. طبعاً این سؤال پیش می‌آید که چه کسی و یا چه جانی از افغانستانی‌ها و یا غیر افغانستانی‌ها از این ورطه‌ی هولناک سود می‌برد؟! و ادامه‌ی بحران به نفع کیست؟!!

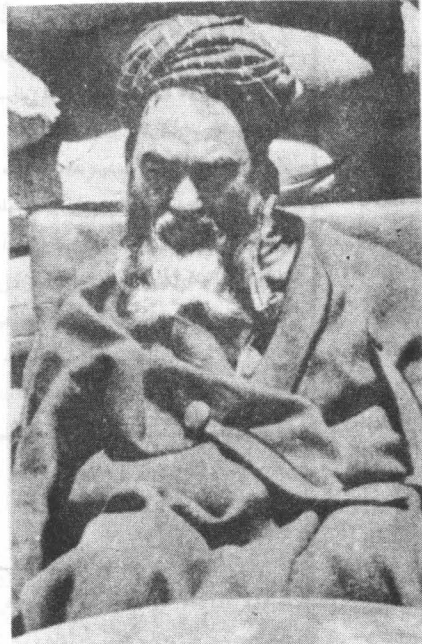
چرا راه حل‌های مطرح شده از سوی محافل بین‌المللی و داخلی به بن بست می‌رسد. سال گذشته با توجه به اینکه مذاکرات عشق‌آباد موفق‌آمیز اعلام شده بود. باز هم بلافاصله آتش جنگ خانمانسوز آغاز گردید و هم اکنون که این سطور یادداشت می‌شود، جنگ شدیدی در ولسوالی دره‌صوف بالای سنگ‌های حزب و وحدت اسلامی و در قندوز و پل بنگی و شیرخان بندر جریان دارد.

### دلیل ناکارایی راه حل‌ها:

تاکنون طرق و شیوه‌های گوناگونی از راه حل‌ها، برای بحران جاری افغانستان ارایه شده است. اما تا هنوز متأسفانه بسیاری از آنها و حتی اغلب این پروسه‌ها نتوانسته‌اند جایی را برای خود باز کنند. چنانچه دیده شد راه حل‌های مؤسسه ملل

نمایندگی ویژه‌ی شخص دبیر کل در بحران افغانستان، بصورت یکطرفه رل میانجیگری را ترک کند و از صحنه کنار رود.

وی علت و فقهی ایجاد شده در مأموریت خود را عدم بسایندگی طرف‌های درگیر در اجرای تعهدات‌شان ذکر نمود. البته پیدا کردن مرجع ضمیر در سخنان آقای اخضر ابراهیمی برای خبرگان امور



سیاسی چندان دشوار نبود. اما مناسب بود که این سیاستمدار الجزایری دست کم در واپسین روزهای مأموریت ناکام خود طرف مقصر را اعلام می‌کرد تا افکار عمومی جهان و مردم افغانستان وجدان و

خارجی، بانیان و معماران صلح را بر آن وا می‌دارد که در جدول راه حل‌ها، پیش از آنکه به فکر منافع مردم، این قربانیان اصلی باشند به استرضای بعضی از کشورهای مداخله‌گر که عوامل قدرتمند نظامی را در اختیار دارند، بپردازند.

تقدیم منافع کشورهای مداخله‌گر بر منافع مردم و ایجاد روحیه‌ی نظامی‌گری و تکیه بر

## شهید مزاری و راه حل

واقعیت زور و سرنیزه بر سر میز مذاکرات از اهم علل شکست پروسه‌ها و راه حل‌ها است.

چنانچه مذاکرات حاوی منافع مردم افغانستان می‌بود و ایجاد روند عدالت اجتماعی را تضمین می‌کرد، بدون تردید ما اکنون شاهد فروکش نمودن آتش ویرانگر جنگ خانمانسوز در کشور خود بودیم و مطمئناً نوروژ باستانی را با آغوش گرم و لب خندان و دل شاد خوش آمد می‌گفتم.

### طرح استاد شهید مزاری برای خاتمه‌ی بحران افغانستان

فائده شهید استاد مزاری به عنوان یک زعیم و سیاستمدار دلسوز و درد آشنای مردم افغانستان، از آنجا که ادامه‌ی بحران و آشوب را در حکومت مجاهدین به سود کسی نمی‌دید طرح خودشان برای اعاده‌ی صلح و عدالت ارایه دادند.

ایجاد حکومت فراگیر با قاعده‌ی وسیع از همه اقوام و ملت‌ها اولین بار در تاریخ سراسر رنج و ستم افغانستان از حلقوم این مرد شنیده شد.

او نخستین کسی بود که در طول سیصد سال از تأسیس افغانستان برای نخستین بار هم که شده طرح ایجاد حکومت مرکزی بر اساس اشتراک عادلانه و برادرانه‌ی چهار قومیت عمده‌ی افغانستان یعنی پشتون، هزاره، تاجیک و ازبک را ارایه نمود. البته این مطلب بر کسی ایجاد شبهه نکند که وی خدای ناکرده حکومت را در این چهار قوم و ملت محصور می‌دانست. نه خیر وی برای همه‌ی کسانی که جدا از اینها هم تشخیص و تبارزی داشتند، حق قابل بود.

منتها برای رفع بحران و ایجاد آشتی ملی گام بزرگ و نخست راه، ایجاد روح تعاون و اعتماد و برادری در میان اینها می‌دانست.

طرح ایجاد حکومت فراگیر و با قاعده‌ی وسیع که امروز ورد زبان کوفی عنان و کشورهای ۶+۲ و همه احزاب و طرف‌های درگیر است، نخست از سوی استاد مزاری، پا به عرصه‌ی وجود نهاد. این طرح در زمانی مطرح شد که حکومت مجاهدین به شکل بسیار غیر عادلانه در میان احزاب مجاهدین پیشاوری؟! تقسیم شده بود و از آنجا که بعضی این احزاب حتی از لحاظ کمی هم کسی به حساب نمی‌آمدند ولی سهمیه‌ی برابر دیگران در قدرت می‌خواستند تفاوت و وسعت کمی و کیفی احزاب از یکسو و درخواست سهمیه‌ی مساوی مانند سهمیه‌ی آرد و روغن بر طبق سنت کمپهای پیشاور

از سوی دیگر امری بود که خود بخود باعث درگیری و آشوب می‌گردید و بدتر از آن، این احزاب غالباً مربوط به ایلات جنوب و شرق و

دلیل عمده‌ی شکست راه حل‌ها، اعم از داخلی و بین‌المللی اینست که جنبه‌ی ایده‌آلیستی آنها بر جنبه‌ی رئالیستی‌شان برتری دارد و عموماً اگر در بافت و ساختار این جدولها دقت شود دیده می‌شود که به دلیل عدم انعکاس واقعیت ملت‌های درونی جامعه‌ی افغانستانی، نتوانسته‌اند صلح را تأمین نمایند.

### وضعیت پیچیده‌ی سیاسی و راه حل‌ها

بحران افغانستان محل بروز اتفاقات و تصادفات نیست بلکه جایگاه تحولات و فرایندهای حساب شده‌ای است که هر کدام فاکتور ویژه‌ی خود را دارا می‌باشد. لذا ادعای اینکه مرور حوادث به حساب احتمالات و تصادفات نسبت داده شود امری بی‌نهایت ضعیف است. در چنین شرایطی برای تمرکز ارکان اعتماد و تفاهم در میان ملت‌ها و اقوام ساکن کشور احتیاج به یک رهیافت دقیق و منصفانه و عادلانه است که روند مزبور را تضمین نماید تا در نهایت صلح و امنیت را به ارمغان آورد.

### دلیل عمده‌ی شکست راه حل‌ها، اعم از داخلی و بین‌المللی اینست

که جنبه‌ی ایده‌آلیستی آنها

بر رئالیستی‌شان برتری دارد

و عموماً اگر در بافت و ساختار این جدولها دقت شود

دیده می‌شود که به دلیل عدم انعکاس واقعیت

ملت‌های درونی جامعه‌ی افغانستانی

نتوانسته‌اند صلح را تأمین نمایند

مسلم است در فرض فقدان فضای تفاهم و اعتماد بذره‌های بی‌اعتمادی و بحران و اضطراب سیاسی نمو می‌کند و تدریجاً فضای سیاسی را اشغال می‌کند.

فقدان مشروعیت سیاسی لازم، زمینه ساز عدم با گرفتن قدرت سیاسی متمرکز در کشور شده و نهایتاً صف بندی و جناح بندی عوامل و فاکتورهای درگیر انجام شده و تدریجاً پای نیروها و کشورهای خارجی به داخل بحران باز می‌گردد. و منافع خارجی‌ها هم وارد فاز بحران می‌گردد.

با توجه به چنین وضعیت خطرناک ایجاد شده در ساحه‌ی افغانستان اینک ماجرا وارد پیچیده‌ترین مقطع حیات سیاسی کشور شده بطوری که تمیز فاکتورهای داخلی از خارجی و درک روند و تعامل نیروها، حتی در درون یک طیف دشوار به نظر می‌آید.

آنچه امروز پروسه‌ی صلح را با مشکل جدی مواجه می‌سازد چشم انداز منافع کشورهای خارجی در افغانستان است، وجود منافع بعضی از کشورهای

انصاف ایشان را که نماینده‌ی شخص کوفی عنان دبیر کل مؤسسه ملل متحد است با لیمان می‌دیدند. به عقیده‌ی خبرگان مسایل سیاسی دلیل اصلی ناکامی راه حل‌ها، عدم انطباق مواد پیشنهاد شده با واقعیات و پرابلم‌های بحران افغانستان بوده است. مشکل از اینجا آغاز می‌گردد که متأسفانه ارایه

### تقدیم منافع کشورهای مداخله‌گر بر منافع مردم و ایجاد روحیه‌ی

نظامی‌گری و تکیه بر واقعیت زور و سرنیزه بر سر میز مذاکرات از اهم

علل شکست پروسه‌ها و راه حل‌ها است

دهندگان راه حل، یا کمتر به بافت‌های اجتماعی و سیاسی افغانستان توجه دارند و یا اصولاً شناختی روشن و دقیق از موضوع و نفس بحران و ریشه‌های آن ندارند. یا اینکه راه حل یاد شده و ارایه گردیده‌ی قبل از آنکه منافع کل مردم را برآورده نماید به سود حزبی خاص و یا قوم و جناحی بخصوص تفسیر می‌گردد.

## زندگی بدون تزویر

از صفحه ۷

شولگره کشت کرده بودم. ۵ هزار تومان آن را تو بگیر و بقیه اش را خرج خانه کن.» (۱۲) همه شاهد بودیم که او به عنوان رهبر یک تشکیلات مردمی که روزی میلیونها افغانی را رد و بدل می کرد ولی خانواده اش در چنین وضعیتی به سر می بردند که پول برای مصرف روزانه هم نداشتند تا چه رسد به خانه شخصی و... او این قدرت را هم داشت که مانند بعضی از رهبران امروز یکی از ثروتمندترین افرادی باشد که به دور از رنج ملت و در کشورهای دیگر به زندگی آتچنانی مشغول باشد... اما او چنین زندگی را برای خود ننگ می دانست. چرا که او با مردمش تعهد کرده و پیمان کرده بود که بر احقاق حقوق آنها تلاش و مبارزه کند: «برای شما من اینجا می گویم که من هیچ منافع غیر از منافع شما ندارم، اگر من می خواستم روی منافع شخصی خود فکر می کردم در این دو سال و هشت ماه هم در کنار شما نمی نشستم... از خدا هیچ وقت نخواستم که من بدون شما جایی بروم، شما را در معرکه بگذارم و جان خود را نجات دهم... و در خارج از کنار شما هیچ زندگی برایم ارزشی ندارد.» (۱۳) آری او زندگی و زنده بودن را برای سعادت و آزادی و عزت مردمش می خواست و بس...

در شخصیت ماندلا نیز ما به مسایلی برخورد می کنیم که در شخصیت دیگر رهبران کمتر به چشم می خورد. چرا که ماندلا نیز تمام زندگی اش را وقف برای مردم و کمک به محرومان جامعه اش کرده است: «در زمان ریاست جمهوری خود «مطابق قوانین کشور، وی سالانه حقوقی معادل هفتصد هزار راند آفریقای جنوبی (حدوداً ۲۰۰ هزار دلار) دریافت می کند. علاوه بر این از دهها راه دیگر ثروتهای هنگفتی را به سوی خود می کشاند. مبالغی که از بابت اعطای دهها جایزه صلح بین المللی چون جایزه صلح نوبل و جایزه صلح فیلادلفیا به وی رسیده، هدایای رهبران جهان به وی، سود سرشاری که در اثر انتشار و فروش فوق العاده کتاب سرگذشت زندگی وی تحت عنوان «راه دشوار آزادی» نصیب وی شد، اتومبیل های گران قیمتی که از سوی کمپانیهای مرسدس بنز و فولکس واگن به وی تقدیم شد و همچنین حراج وسایل شخصی خود که از دوران اسارت در حراجهای بزرگ اروپا و امریکا که به قیمتهای گزاف به فروش می رسند... لذا او نه تنها از این اموال برای راحتی و آسایش خود سود نجنبسته، بلکه تقریباً همه آنها را در راه مصارف عام المنفعه مصرف کرده است. به طوری که چیزی معادل ۴۲ هزار دلار از حقوق سالیانه خود را به صندوقی که در نهاد ریاست جمهوری خود برای کودکان ایجاد کرده اعطا می کند... حتی محل سکونت وی در شهر ژوهانسبورگ از سوی کنگره ملی آفریقا به اصرار مقامات امنیتی حزب در محل اعیان نشین و خوش آب و هوا انتخاب شده، متعلق به خود او نیست.» (۱۴) این چنین است مفهوم زندگی در نزد این مردان بزرگ چرا که همین برانزندگی و برجستگی های بارز بود که از آنها رهبر و چهره های محبوب در بین مردم و جامعه شان ساخته بود و به عنوان انسان ممتاز در صحنه سیاسی و بین المللی شناخته شدند. انسانهای هدفمند و بیدار که خود را وقف جامعه و مردم می کنند تا به نسلهای فردای خود درس آزادی، عزت، سربلندی و درس درست زندگی کردن را بیاموزند و تاریخ نوینی را بر صفحه های زندگی مردمشان باز کنند. چرا که زندگی انسان در همان هدف داشتن اوست و فردی که هدف نداشته باشد مفهوم زندگی را درک نخواهد توانست. چون او به فردی شبیه است که بر سر چهارراهی ایستاده است و نمی تواند تصمیم بگیرد و هدفش را تعیین نماید و قطعاً چنین فردی لیاقت و شایستگی هیچ کاری را نخواهد داشت. و جقدر مسرت بخش خواهد بود که انسان مفهوم زندگی کردن را بداند. و هیچگاه با تزویر، خود را بر مردم تحمیل ننماید بلکه همواره در راه خدمت به جامعه و مردم خویش تلاش نماید و شمع فروزانی باشد در تاریکیهای جهل زمانه خویش...

پی نوشتها:

- ۱ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۴/۹.
- ۲ - همان.
- ۳ - ایاه هویت، ص ۱۶۷.
- ۴ - همان، ص ۵۸.
- ۵ - همان، ص ۶۳.
- ۶ - همان، ص ۸.
- ۷ - سراج، شماره سوم (یادآوری استاد شهید)، ص ۱۳۶.
- ۸ - همان، ص ۲۲۳.
- ۹ - همان، ص ۱۰.
- ۱۰ - ایاه هویت، ص ۲۲۲.
- ۱۱ - همان، ص ۷۴/۹/۹.

## مزاری در پندارها

از صفحه ۵

۱ - ۳ - ۲ - مناققان زیرک را، که همیشه به شیطنت دست می زدند و در ظاهر شعار مزاری رهبر را در محافل و مجامع سر می دادند، ولی در واقع در آتش کینه ای که از مزاری بر دل داشتند، می سوختند و انواع موانع و گرفتاری ها را برای او خلق می کردند.

۲ - ۳ - ۲ - «زاهدان احق»، را، که همیشه فریب مناققان را می خوردند و با پیشانی پینه بسته در بین اجتماع و مردم ظاهر می شدند و به مزاری و اطرافیان او نسبت فسق و فساد و محارب می دادند.

علی (ع) این دسته از مفسدان سیاسی را این گونه توصیف کرده است: «لهم جباة قرحة ل طول السجود و اید کففات الابل علیهم قمس مرخضة و هم مشترزون.»

پاورقی ها:

- ۱ - کفته صیفت الله مبهردی، اولین رئیس جمهور میاهرین است.
- ۲ - تعبیر معروف یکی از حضرات که گفته بود: یا برادر فوب، یا پسر فوب یا اینکه رماز فوب داشته باشی تا های با باز کنی و مزاری هیچ کدام آنها را نداشت.
- ۳ - ایاه هویت، ص ۲۱.
- ۴ - فریاد عدالت، ص ۱۲.
- ۵ - سقانی از پیشوای شهید، ص ۱۸۴.
- ۶ - ایاه هویت، ص ۳۵.
- ۷ - همان، ص ۲۲۲.
- ۸ - همان، ص ۱۴۹.
- ۹ - زنده تر از تو کسی نیست، ص ۲۱. (به نقل از امروز ما)
- ۹ - قصه هجران، ص ۳۴.
- ۱۱ - همان، با استعار از سفیرانی رهبر شهید در کابل.
- ۱۲ - مصاحبه با آژانس فیری ایتالیا، کابل، ۷/۱۹/۲۰.
- ۱۳ - ایاه هویت، ص ۳۲.
- ۱۴ - فریاد عدالت، ص ۲۷-۶۸.

مجاور نشینان مرزهای پاکستان بودند و نمی توانستند مثل و دربرگیرنده حتی همه اقوام و ملیتهای افغانستان باشند.

### ویژگیهای

### طرح استاد شهید مزاری

۱ - این طرح برای اولین بار در قلمرو سیاسی

۶ - استاد شهید در طرح خود مبنای دیالوگ

محمد امیر ناصری

# بحران افغانستان

بین افغانی را در مد نظر داشت و توانست با گفت و گو و تفاهم برادرانه قسمت بزرگی از آن را به سایر برادران از اقوام افغانستانی بقبولاند و رضایت و قناعت آنها را حاصل کند. بدون تردید اگر استاد به دست نوسوران اجنبی به شهادت نرسیده بود می توانست امروز افغانستان را نجات دهنده باشد.

۷ - طرح استاد متضمن وحدت ملی و تمامیت ارضی افغانستان بود. افغانستان در طول تاریخ همواره از سوی همه فرزندان خود اعم از پشتون و هزاره و تاجیک و ازبک و... حمایت و مدافعه شده و بارزترین وجه آن دوران جهاد با قوای خارجی بود که همه ملیتها در آن سهم داشتند. و حداقل قدردانی از همه مدافعان وطن این است که وجود و حیات سیاسی آنها در چوکات و فرم سیاسی کشور منظور شود. البته بودند افراد نادان و بی سوادی که طرح برابری و برادری اقوام و حمایت از ملیتهای محروم، به تجزیه کشور تفسیر می کردند ولی امروز بر اثر جنگ طلبی خودشان کشور را به شمال و جنوب تقسیم کرده اند.

۸ - امروز اگر در بوسنی مسلمانها به همان اندک آرامشی که متضمن حیات سیاسی و اجتماعی شان است، دست یافته اند از رهگذر طرحی است که در ساحه بوسنی پدید می آید و وجود همه اقوام را بر طبق طرح دیتون به رسمیت شناخته است (حالا ما به کمبودها و نواقص آن کار نداریم) منظور حل کردن اصل بحران است. در افغانستان هم زمانی پروسه مشارکت اقوام از سوی شهید مزاری ارایه شد که درگیرها تازه شروع شده بود. اما استاد شهید توانست با درایت و نبوغ خدادادی خود بسیاری از این مخاصمات قومی را به دوستی تبدیل نماید.

۹ - امروز زبان رایج و قابل تفهیم در بحران افغانستان زبان تفنگ و غارت و تصفیه قومی و نژادی و اسارت زنان و دختران و پسران جوان است.

دقیقاً در لحظات آغاز مذاکرات، آتش از دهانه ی توپ و تفنگ باریدن می گیرد، گویی در جدولهای راه حل سیاسی مقدمه های از آتش و خون نوشته اند، همین الان که قرار است روز بعد در عربستان سعودی مذاکره غیر مستقیم میان اطراف درگیر آغاز شود آتش شدید جنگ در شمال کابل و شمال کشور و دره صوف قهرمان شدت گرفته است. اما طرح صلح شهید مزاری طرحی بود که ذاتاً از جنگ و خونریزی و کشتار بدور بود و فقط بر مبنای گفت و گوی ساده و عنعنوی بین افغانی تکیه داشت و راز موفقیتش هم در آن بود که برای تفنگ سهمیه ای قابل نبود.

افغانستان واژه عدالت و واژه برابری همه ملیتهای ساکن کشور را ثبت نمود. تا آن تاریخ در صحنه سیاسی کشور، هیچ قائد جهادی و یا زعم سیاسی نتوانسته بود چنین ادعایی را مطرح کند. اما مزاری قهرمانی بود که جرأت تاریخی خود را به اثبات رسانید و به همه فهمانید که حکومت مخصوص یک قوم و یک قبیله و یک خاندان نیست.

۲ - این طرح برآمده از متن و اقیاب

### شهید مزاری

نخستین کسی بود

که در طول سیصد سال

از تأسیس افغانستان

برای نخستین بار هم که شده

طرح ایجاد حکومت مرکزی

بر اساس اشتراک عادلانه

و برادرانه چهار

قومیت عمده ی افغانستان

یعنی پشتون، هزاره،

تاجیک و ازبک را

ارایه نمود

افغانستان بود و استاد شهید با درک عینیت اجتماعی و عطش شدید مردم نسبت به عدالت سیاسی آنرا ارایه فرمود.

۳ - استاد شهید با ژرف نگری که مخصوص وی بود درک کرده بود که بدون عدالت اجتماعی جامعه به سر و سامان نمی رسد و تبعیض و غصب حقوق مردم نه تنها مشکل را حل نمی کند بلکه خودش زمینه آشوب و شورش بعدی می گردد.

۴ - از آنجا که طرح استاد شهید ناشی از واقیبات درونی افغانستان و برآمده از متن جامعه محنت زده بود، این طرح در داخل افغانستان و نه در بیرون، پروراند و پخته شد و لذا هیچ کشور و جانب خارجی سودی در آن نمی دیدند و به همان دلیل هم از آن استقبال نکردند.

۵ - طرح استاد شهید امنیت و عدالت را در داخل افغانستان تضمین می کرد و اصولاً برای مردم افغانستان و برای ایجاد صلح و برادری، تهیه شده

آنچه که حادثه‌ی غرب کابل را در سال ۱۳۷۳، از دیگر حوادث چندساله‌ی افغانستان برجسته و ممتاز می‌سازد، شهادت مظلومانه‌ی مردی است که در طول مبارزات چند ساله‌اش سه شعار اساسی داشت: ۱- تمامیت ارضی افغانستان ۲- وحدت ملی ۳- پیاده شدن عدالت اجتماعی در سایه‌ی حکومت اسلامی در افغانستان که بی‌گمان در پای آن شعارها و تحقق یافتن آن، سه سال تمام در غرب کابل مقاومت کرده و تا پای جان نیز فداکاری نمود. در پنجمین سالگرد شهادت مظلومانه‌ی آن شهید بزرگوار نگارنده لازم می‌داند مطالبی پیرامون موضوع «عدالت اجتماعی» از دیدگاه شهید مزاری تقدیم خوانندگان نماید. قبل از هر چیز باید به دو نکته‌ی اساسی توجه داشت:

۱- عدالت: عدالت واژه‌ای قرآنی است به معنای «اعطای کل ذی حق حقه». عدالتی که در فرهنگ اسلامی مطرح است و مورد تأیید ائمه‌ی اطهار قرار گرفته است، به معنای رساندن هر ذی حقی، به حق خویش می‌باشد. علی(ع) عدالت را

رشد و شکوفایی استعدادها برای تمامی مردم طوری مساوی فراهم و آماده باشد. به عبارت دیگر: جامعه یک صحنه مسابقه باید باشد که همه‌ی انسان‌ها بتوانند در این مسابقه شرکت کرده و استعدادها و خلاقیت‌های خویش را آزادانه مورد آزمایش قرار

«عدالت اجتماعی» را در افغانستان طرح، و رعایت آن را به عنوان تنها راه حل معضل افغانستان پیشنهاد کرد. استاد مزاری، شخصیتی است که در مکتب قرآن، تربیت شده و مبانی فکری و اندیشه‌ی عدالت خواهی خویش را از متون اسلامی دریافت کرده

هدف دوّم، ایجاد یک حاکمیت اسلامی در جامعه‌ی افغانستان است که متأسفانه برای نیل به این هدف هنوز فاصله‌ی زیادی وجود دارد، طبیعی است که از لازمه‌ی یک حکومت اسلامی، ایجاد عدالت اجتماعی است و حکومت منهای عدالت اجتماعی

## شهید مزاری و عدالت اجتماعی

### اسحاق امینی

مسئلاً ماهیت اسلامی ندارد. اگر بنا است که در آینده‌ی افغانستان، اسلام حاکم باشد، باید در نظام حکومتی آن حقوق تمامی ملیتها ملاحظه شود و کسانی که در افغانستان شعار حکوت اسلامی می‌دهند، اما حق حاکمیت ملیتها محروم رانادیده می‌گیرند، مسلماً دروغ می‌گویند و عملاً طرفدار حکومت اسلامی نیستند.

ثالثاً - از آنجایی که در طول تاریخ مبارزات ملت افغانستان چه در مبارزات استقلال طلبانه علیه استعمار انگلیس و چه در جهاد رهایی بخش، علیه تجاوز روسیه، تمامی ملیتها ساکن در این کشور اعم از هزاره، تاجیک، ازبک، پشتون، ترکمن، عرب و... شرکت داشته‌اند. بنابراین «عدالت اجتماعی» که از لازمه‌ی یک حکومت اسلامی به معنای واقعی است، ایجاب می‌کند که در اداره و بازسازی آینده‌ی افغانستان باید تمامی ملیتها محروم سهم باشند و راه عملی «عدالت اجتماعی» در بافت‌های اجتماعی افغانستان این است که از کلیه ملیتها ساکن در این کشور آمارگیری دقیق صورت گرفته و هر قوم و نژاد و ملیتی را به میزان جمعیت و حضور فیزیکی شان، در اداره و بازسازی افغانستان شرکت دهند.

استاد شهید بارها گفته بود: اگر در افغانستان حقوق همه‌ی ملیتها در نظر گرفته نشود، قضیه‌ی افغانستان به این زودی‌ها قابل حل نخواهد بود. البته ممکن است گروهی با پشتوانه‌های خارجی بیایند و با زور و سرنیزه چند صبحی خاک افغانستان را اشغال نمایند و حتی سازمان ملل و کشورهای خارجی هم یک چنین حکومتی را به رسمیت بشناسند، اما این سطله‌ی جابرانه به معنای حل قضیه‌ی افغانستان نخواهد بود، چه اینکه قضیه‌ی افغانستان از طریق زور و قدرت نظامی نه تنها قابل حل نیست بلکه آن

است. از طرف دیگر تاریخ مظلومیت ملیتها محروم افغانستان را کاملاً مطالعه کرده بود و آگاهی کاملی از بافت خاص جامعه‌ی افغانستان داشت و با این ویژگیها، اندیشه‌ی عدالت خواهی خویش را در غرب کابل مطرح کرد.

تحلیل و برداشت نگارنده از این شعار و اینکه شهید مزاری چه می‌خواست و منظورش از عدالت

دهند.

۲- از آنجا که استعداد، تلاش و فعالیت افراد جامعه یکسان و برابر نیستند طبعاً نتیجه‌ی مسابقه یکسان و برابر نبوده عده‌ای برنده و دسته‌ای بازنده خواهند بود، بناءً مقتضای عدالت اجتماعی این است که نتیجه و محصول تلاشها و فعالیت‌های هر فرد، مربوط خود او بوده و حق اولویت دارند و کسان

### ○ اگر بنا است که در آینده‌ی افغانستان

اسلام حاکم باشد

باید در نظام حکومتی آن

حقوق تمامی ملیتها ملاحظه شود

و کسانی که در افغانستان شعار حکوت اسلامی می‌دهند

اما حق حاکمیت ملیتها محروم را

نادیده می‌گیرند

مسئلاً دروغ می‌گویند

و عملاً طرفدار حکومت اسلامی نیستند



چنین تعریف می‌کند:

«العدل وضع کل الشیء فی موضعه» عدل عبارت است از گذاشتن هر شیء در جایگاه خودش و اعطا کردن حقوق صاحب حق را به آنها (همان وضع شیء فی موضعه)

۲- جامعه: اجتماع، یا جامعه به مجموعه‌ای از انسانها گفته می‌شود که دارای خصوصیات ذیل می‌باشد: اولاً؛ در محیط مشترک زندگی کنند ثانیاً؛ دارای فرهنگ، آداب و رسوم و عقاید مشترک باشند. ثالثاً؛ نیازها و اهداف مشترک داشته باشد، رابعاً؛ در جهت رفع این نیازها و رسیدن به این خواسته‌ها، و نیل به این اهداف، در حرکت و تلاش باشند. این عقاید و نیازمندی‌های مشترک، آنچنان سرنوشت افراد جامعه را به هم پیوند می‌زند که به فرموده‌ی پیامبر بزرگ اسلام: حکم سر نشینان یک کشتی را پیدا کرده که با بی نظمی، بی تفاوتی، انحصار طلبی و خود محوری فشری از افشار، و با فردی از افراد آن جامعه، کل جامعه، تعادل را از دست داده و در امواج حوادث و تحولات ناشی از آن، غرق و نابود خواهد شد.

با این تحلیل و برداشت از واژه‌های «عدالت» و «جامعه» ترکیب یافته‌ای از این دو واژه را که همان «عدالت اجتماعی» باشد، می‌توان چنین تفسیر کرد:

۱- تمام امکانات مادی و معنوی جامعه در دست آحاد مردم قرار داشته، و تمامی افشار، بتوانند از تمامی امکانات جامعه بهره‌مند شوند و زمینه‌ای

اجتماعی در افغانستان چه بود؟ به شرح زیر است: اولاً - جامعه‌ی افغانستان در گذشته یک جامعه‌ی نامتعادل بوده و فشری بر فشر دیگر حکومت مطلقه داشته و ظلم و حق کشی بیداد می‌کرده است و این ظلم و اجحاف از یک طرف، تعصبات کور قومی، نژادی و احیاناً مذهبی را به دنبال داشته و از نظر روانی یک جو بدبینی و بی‌اعتمادی بین ملیتها ساکن در افغانستان، به وجود آورده بود. از طرف دیگر، زمینه‌ی دخالت کشورهای خارجی را نیز فراهم کرده و در نتیجه معضله‌ی چندساله‌ی افغانستان را خلق نمود.

دیگر نمی‌توانند دست آورده‌های دیگران را، تصرف عدوانی نمایند. اگر چنین نظامی در جوامع بشری حاکم شود چنین جامعه‌ای با این روابط و ضوابط، یک جامعه‌ی متعادل خواهد بود.

۳ - و در نتیجه اگر طبقه‌ی خاصی در جامعه حاکمیت مطلقه پیدا کرده و تمامی امکانات مادی و معنوی جامعه را در انحصار خویش قرار داده و افشار دیگر مردم را از آن محروم نموده و جلورشد و شکوفایی دیگران را سد کنند، و یا اینکه کسانی بیایند و ظالمانه دست آورده‌های دیگران را تصاحب کرده و از محصول تلاشهای آنان سؤ استفاده نمایند،

### ○ راه عملی «عدالت اجتماعی» در بافت‌های اجتماعی افغانستان این است که از کلیه ملیتها ساکن در این کشور

آمارگیری دقیق صورت گرفته و هر قوم و نژاد و ملیتی را به میزان جمعیت و حضور فیزیکی شان، در اداره و بازسازی

افغانستان شرکت دهند

را مشکل تر و پیچیده‌تر خواهد کرد، قضیه‌ی افغانستان با ترکیب و بافت خاص اجتماعی که دارد فقط یک راه حل دارد، و آن وحدت و وفاق ملی است، و این توافق ملی بدون اعتماد و اطمینان ملیتها نسبت به همدیگر امکان پذیر نیست!

این بود آنچه که استاد شهید در غرب کابل سه سال تمام فریاد کنید و تا پای جان در راه تحقق آن فداکاری نمود.

ثانیاً - ماهیت انقلاب ما، اسلامی و مردمی است. یعنی این مردم بودند که با انگیزه‌های اسلامی و اعتقادی، یکپارچه و متحد علیه تجاوز بیگانه قیام کردند و هیچ رهبر و گروهی نمی‌تواند این حرکت خودجوش را به شخص یا گروه یا ملیت خاصی نسبت دهد. مردمی یا دو هدف این حرکت را آغاز کردند: هدف اول، دفع تجاوز بیگانه بود که خروج خفت بار ارتش روسیه از افغانستان، تحقق یافت.

تعادل چنین جامعه‌ای بهم خورده و فساد، خونریزی، تنش و تضاد و... سراسر آن جامعه را فرا خواهد گرفت. در چنین جامعه‌ای است که مبارزات عدالت خواهانه کم کمک شکل می‌گیرد و توده‌های محروم و استثمار شده دست به قیام و انقلاب علیه نظام حاکم خواهند زد.

\*\*\*

استاد مزاری تنها رهبر جهادی بود که شعار

مذاکرات رسمی هیأت سازمان کنفرانس اسلامی با نمایندگان گروه‌های درگیر افغانستانی در مقر این سازمان در جدوی عربستان آغاز شد.

بر اساس گزارش‌های رسیده، در این مذاکرات که نماینده‌ی ویژه‌ی کوفی عنان در امور افغانستان نیز حضور دارد، هیأت سازمان کنفرانس اسلامی به نمایندگان طرف‌های درگیر نگرانی جامعه‌ی جهانی و کشورهای مسلمان را از تداوم بحران در افغانستان ابراز نموده و بر عدم وجود راه حل نظامی و ضرورت خاتمه‌ی بحران از طریق سیاسی و تشکیل دولت فراگیر در افغانستان تأکید شده است. ابراهیم بکر، یک مقام این سازمان می‌گوید که در این مذاکرات در ابتدا با نمایندگان جناح‌های درگیر به طور

## مذاکرات رسمی سازمان کنفرانس اسلامی با طرف‌های درگیر افغانستانی آغاز شد

جدگانه مذاکره صورت می‌گیرد، چنانچه شرایط فراهم گردد، نمایندگان دو طرف به طور مستقیم باهم مذاکره خواهند نمود. گفتنی است دور اول مذاکرات از روز هفدهم حوت با مذاکره با هیأت طالبان به سرپرستی مولوی امیرخان متقی آغاز شد و روز هیجدهم با نمایندگان دولت اسلامی افغانستان مذاکره به عمل آمد. همچنین دور دوم مذاکره با طالبان از روز هیجدهم آغاز شد و قرار است مذاکره‌ی مجدد با هیأت دولت اسلامی از روز نوزدهم برگزار شود.

آقای دکتر عبدالله معاون وزیر خارجه‌ی دولت اسلامی و رییس هیأت اعزامی جبهه‌ی متحد درباره‌ی این مذاکرات می‌گوید: ابتکار رییس سازمان کنفرانس اسلامی و اعزام نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در این مذاکرات، امیدواری‌هایی را به وجود آورده است. وی تأکید نمود که باید طرف‌های درگیر مذاکرات جدی را برای تشکیل حاکمیت مورد قبول مردم افغانستان و همسایگان آغاز نمایند. عبدالله در گفت و گویی با رادیو

دری مشهد، آمادگی کامل دولت اسلامی افغانستان را جهت مذاکره‌ی جامع برای حل بحران افغانستان با در نظر داشت واقعیت‌های افغانستان اعلام کرد. در این حال آقای طاهریان، مسؤول ستاد افغانستان در وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران، روز هیجدهم حوت به رادیو دری مشهد درباره‌ی این مذاکرات می‌گوید که اکنون زود است درباره‌ی موفقیت یا ناکامی تلاش‌های اخیر اظهار نظر کرد، اما استنباط ما این است که هر دو طرف بر غیر کارساز بودن راهکار

نظامی تأکید داشتند. وی می‌افزاید: اهمیت مسأله از آن جهت است که برای اولین بار سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل به طور مشترک هیأت‌هایی را مأمور کرده‌اند که نقطه نظرات طرف‌های درگیر را بشنوند.

وی همچنین می‌گوید: دبیرکل سازمان ملل آقای وندلر را برای هم‌آهنگ کردن فعالیت‌ها و به ثمر رسیدن تلاش‌ها، موظف کرده است که در مذاکرات حضور داشته باشد. وی همچنین علاوه نمود: هیچ طرح مشخصی از سوی سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل پیشنهاد نشده است، بلکه تأکید روی این است هر نوع راهکاری باید یک راه حل بین‌الافغانی باشد، و راهکار تحمیلی از خارج کارساز نمی‌باشد.

## همایش فرهنگی و هنری مهاجرین افغانستانی در قم برگزار شد

کمونیسم در جهان را مردم ما زدند و سید جمال آغازگر قیام‌های اسلامی در قرن حاضر از جامعه‌ی ما است.

وی عمده‌ترین بحران در کنار بحران سیاسی کشور را بحران فرهنگی خواند و گفت: ما نباید از افغانستانی بودن خویش شرم داشته باشیم، ما دارای فرهنگ پربرابر و کهن تاریخی هستیم و باید پاسدار این فرهنگ و هویت ملی خویش باشیم.

نمایش «سخن با تو» به کارگردانی برادر حسینی و بازی چند تن از دانش‌آموزان، قسمت دیدنی این برنامه بود که در قالب نمایش، تاریخ کشور را از دوران تهاجم ارتش سرخ تا وضعیت حاکم فعلی به تصویر کشیده بود. در این مراسم همچنین دو تن از شاعران توانای وطن، آقایان مهدوی و شهباز ایرج، اشعار زیبایی را قرائت کردند.

در این مراسم نمایندگانی از طرف دفتر حضرت آیه‌الله العظمی محقق کابلی و گروه‌ها از جمله حزب وحدت نیز حضور داشتند. انجمن اسلامی جوانان از سوی جمعی از جوانان هموطن در سال ۱۳۶۸ تشکیل شده است.

حاضرین گفت که این مراسم به مناسبت دهمین سالگرد خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان برگزار شده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تاریخ سراسر افتخار و غنای فرهنگی مردم افغانستان، افزود: همین افتخار بس است که ما استعمار انگلیس را شکست دادیم، مهر پایان عمر

همایش فرهنگی و هنری مهاجرین افغانستانی با اجرای برنامه‌های متنوع و جالب سرود، شعر، نمایش و مسابقه‌ی حضوری، از سوی انجمن اسلامی جوانان، روز جمعه سیزدهم حوت در قم برگزار شد. آقای سید جواد حسینی، مسؤول این انجمن در این مراسم طی سخنانی ضمن تبریک صدمین سال میلاد امام خمینی (ره) و خوش آمدگویی به

## شورای امنیت، طالبان را تهدید کرد

این بیانیه اشاره‌ای به نحوه‌ی اقدامات تنبیهی طالبان نکرده است. اما سال گذشته بدلیل خودداری طالبان از اخراج اسامه بن لادن از افغانستان، حساب‌های بانکی طالبان در خارج را مسدود و گروه طالبان را مورد اعمال تحریم‌های هوایی قرار داده بود. گفتنی است بیانیه‌ی شورای امنیت پس از آن صادر گردید که نیروهای طالبان تهاجم‌های وسیعی را در محورهای شیرخان بندر، امام صاحب و دره‌صوف، آغاز کرده بود.

طالبان در ابتدای این تهاجم‌ها شیرخان بندر و امام صاحب را تصرف کرده بودند و در دره‌صوف نیز پیشروی‌هایی داشتند. اما پس از آغاز ضد حمله‌ی نیروهای جبهه‌ی متحد، تمام مناطقی که طالبان در تهاجم اخیر اشغال کرده بودند، آزاد شد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمن ابراز نگرانی از تهاجم اخیر طالبان به شمال افغانستان خواستار توقف این حملات گردید.

رییس شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرده است که حملات طالبان به مواضع مخالفین آنها، تلاش جامعه‌ی بین‌المللی برای حل بحران افغانستان را تضعیف می‌کند. شورای امنیت در این بیانیه که روز جمعه سیزدهم حوت صادر شد. از طالبان خواست که مفاد قطعنامه‌ی ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل را محترم شمارد.

شورای امنیت در بیانیه‌ی خود تهدید کرده است که در صورت عدم رعایت مفاد قطعنامه‌ی ۱۲۶۷ از سوی طالبان، شورای امنیت اقدامات جدیدی را روی دست خواهد گرفت.

## چهار فروند هواپیمای جنگی طالبان منهدم شد

خبرگزاری ایرنا یک منبع نزدیک به ائتلاف شمال افغانستان گفت: بر اثر حمله‌ی موشکی نیروهای احمد شاه مسعود، چهار فروند طیاره‌ی جنگی طالبان در فرودگاه کابل منهدم شد.

«نجیب‌الله» به خبرگزاری ایرنا گفت: این حمله زمانی انجام شد که نیروهای طالبان به نیروهای احمد شاه مسعود در ۶۵ کیلومتری شمال کابل حمله کردند که منجر به عقب نشینی این نیروها شد. این منبع همچنین افزود: حمله‌ی یاد شده، توسط مراکز موشکی زمین به زمین نیروهای مسعود به فرودگاه مذکور از شمال کابل صورت گرفت. هنوز منابع رسمی و مستقل این خبر را تأیید نکرده‌اند.

از سوی دیگر به نوشته‌ی یک روزنامه‌ی پاکستانی، بر اثر بمباران طیاره‌های طالبان در مناطق چاریکار، پنجشیر و جبل السراج در شمال افغانستان ۲۲ نفر کشته شدند.

روزنامه‌ی اردو زبان «اوصاف» چاپ اسلام آباد افزود: این دومین بمباران طالبان علیه مواضع نیروهای طرفدار احمد شاه مسعود است. به نوشته‌ی این روزنامه درگیری بین نیروهای طالبان و احمد شاه مسعود در منطقه‌ی «سرپل» همچنان ادامه دارد.

## روسیه خواستار کنترل عملکرد تجاوزکارانه‌ی «طالبان» از سوی جامعه‌ی جهانی شد

وزارت امور خارجه‌ی روسیه در بیانیه‌ی خود تمامی مسؤولیت افزایش خونریزی در افغانستان را بر عهده طالبان و حامیان آنان دانست. بر اساس این بیانیه، طالبان حمله‌ی وسیعی را علیه نیروهای مخالف در شمال شرقی، مرکزی و برخی دیگر از مناطق شروع کرده است. در این بیانیه همچنین آمده است که زمینه برای اقدامات نظامی طالبان و حامیان خارجی آنها، این بار نیز اصول قطعنامه‌ی سازمان ملل را در مورد حل بحران و عدم دخالت در امور افغانستان، زیر پا گذاشته‌اند. وزارت امور خارجه‌ی روسیه در این بیانیه هشدار می‌دهد که تشدید درگیری در افغانستان، میتواند به صورت جدی، اجرای توافق‌های مربوط به انجام گفت

مسکو - ایرنا وزارت امور خارجه‌ی روسیه در بیانیه‌ی، خواستار دخالت سریع جامعه‌ی جهانی در افغانستان، برای پایان دادن به عملیات تجاوزکارانه‌ی «طالبان» در این کشور شد. در بیانیه‌ی وزارت امور خارجه‌ی روسیه که روز چهاردهم حوت در مسکو منتشر شد، آمده است که حوادث اخیر در افغانستان، تهدیدی جدی و مهم برای امنیت و ثبات منطقه، بویژه امنیت کشورهای همسایه است. این بیانیه متذکر می‌شود که این حوادث ممکن است به بروز پیامدهایی در سرزمین‌های هم مرز بیانجامد.

### هفته‌نامه‌ی

## شان و حیرت

صاحب امتیاز:

حزب وحدت اسلامی افغانستان

مدیر مسؤول:

رمضانعلی محقق افشار

سر دبیر:

علی عالمی کرمانی

زیر نظر:

هیأت تحریریه

ایران، قم، ص. پ: ۳۴۷۱-۳۷۱۸۵

تلفن: ۰۲۵۱-۷۳۳۰۸۹

قیمت ۵۰ تومان

## جزئیات طرح سازمان کنفرانس اسلامی اعلام شد

## اعضای سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل از ابتکار جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند

اعضای سازمان کنفرانس اسلامی روز جمعه سیزدهم حوت از تلاش جدیدی که به ابتکار رییس جمهوری اسلامی ایران و ریاست دوره‌ای این سازمان برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز بحران افغانستان آغاز شده است، تقدیر کردند و حمایت خود را از این تلاش اعلام نمودند.

به گزارش خبرگزاری ایرنا «محمد جواد ظریف» معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه ایران، روز جمعه در نشست ویژه اعضای سازمان کنفرانس اسلامی که در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار شد، گزارشی را از فعالیت‌های کمیته افغانستان سازمان کنفرانس اسلامی، به اعضا ارائه کرد.

معاون وزیر امور خارجه ایران در گزارش روز جمعه، به نشست اعضای سازمان کنفرانس اسلام گفت: تلاش کمیته افغانستان بر پایه دو اصل غیر قابل حل بودن بحران این کشور از طریق نظامی و ضرورت تشکیل یک دولت فراگیر استوار می‌باشد.

وی افزود: ابتکار آقای خاتمی درباره حل بحران افغانستان بر اساس دو اصل یاد شده و پس از مشورت با دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و مقامهای پاکستان شروع شد.

اعضای کمیته افغانستان در مرحله اول فعالیت خود به کشورهای ایران، پاکستان، ازبکستان و عربستان سعودی سفر کردند و با مقامات کشورهای یاد شده به گفت‌وگو و مذاکره پرداختند.

ظریف گفت: مذاکرات انجام شده با همسایگان افغانستان روشن ساخت تمام آنها درباره اصول کلی چگونگی حل بحران افغانستان و سفر اعضای آن به جده به منظور انجام گفت‌وگوهای جداگانه با نمایندگان گروه طالبان و ائتلاف شمال موافق است.

وی اعلام کرد، کمیته در نظر دارد در مرحله سوم با تلاش خود، نمایندگان گروه‌های درگیر در افغانستان را با نظارت سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد به دور میز مذاکره گرد آورد.

همچنین آقای وندرل نماینده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان روز ۱۱ حوت با اشاره به تلاشهای اخیر سازمان کنفرانس اسلامی می‌گوید که ملل متحد به آن به عنوان یک تلاش جامعه جهانی می‌نگرد. اما وی از افشای جزئیات تلاشهای اخیر سازمان کنفرانس اسلامی خود داری کرد و گفت که ملل متحد کاملاً در جریان برنامه‌ها است. وی ضمن امیدواری به تلاشهای کشورهای اسلامی برای برقراری آتش بس گفت: هرگونه آتش بس باید با تعهداتی همراه باشد و گرنه بیش از پارچه کاغذی نخواهد بود.

عربستان از جهت اسامه بن لادن، آیا به منفعت سه کشور نخواهد بود که یک راه حل برای افغانستان پیدا شود و اگر چنین است، آیا آنها برای یافتن چنین راه حل از نفوذ خودشان استفاده خواهد کرد، گفت: بلی این همان چیزی است که ما از این سه کشور می‌شنویم، آنها می‌گویند که منافع ما در حل سیاسی بحران نهفته است، ما امیدوار هستیم عمل این کشورها به آنچه که از آنها شنیده‌ایم سازگار باشد.

معاون وزیر خارجه ایران تهدیداتی را که از ناحیه افغانستان متوجه کشورهای همسایه است، اینگونه بازگو کرد: افغانستان تهدیدی جدی را برای همسایگان شمالی‌اش از لحاظ امنیت ملی این کشورها بار آورده است. افغانستان از لحاظ مواد مخدر و تروریسم تهدید جدی برای منطقه است. دوام منازعه در افغانستان به بی‌ثباتی در پاکستان و دیگر کشورها دامن می‌زند و منبع تنش بین کشورهای منطقه است. آقای دکتر ظریف درباره نتیجه اجلاس جده ابراز خوش بینی محتاطانه‌ای نمود.

مرحله سوم این است که گروه‌های درگیر را تحت نظارت مشترک سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل به میز مذاکره بیاوریم. تا به یک راه حل صلح‌آمیز دست یابد. در اجلاس روز دوشنبه که در جده برگزار می‌شود هیأت‌های با صلاحیت دو جانب درگیر شرکت خواهند داشت.

آقای ظریف با اشاره به جنگ‌های اخیر می‌گوید که متأسفانه جنگ‌های بهاری آغاز شده و ما متأسف هستیم و امیدوار هستیم که طالبان از تهاجمات بیشتر دست بردارد. با این همه مهم این است که همه طرف‌ها و گروه‌ها ذی علاقه از جمله ۲+۶، سازمان ملل و سایر جوانب توافق دارند که موقع مناسب برای دست یافتن به راه حل سیاسی است.

وی درباره اینکه در گذشته ملل متحد کشورهای همسایه افغانستان را متهم به دامن زدن به جنگ افغانستان کرده است و با توجه به مشکلات دولت ایران از جهت مواد مخدر و مشکلات پاکستان از جهت صدور طالبانیزم و مشکلات

رییس هیأت ویژه کنفرانس اسلامی در مصاحبه‌ای با رادیو بی بی سی به تشریح مفاد طرح سازمان کنفرانس اسلامی برای خاتمه بحران افغانستان پرداخت.

دکتر ظریف روز چهاردهم حوت به بی بی سی گفت: ابتکار آقای خاتمی سه مرحله دارد. مرحله اول درک نظریات و نگرانی‌های کشورهای منطقه است. مرحله دوم گفت‌وگو با طالبان و مخالفان آنها برای دریافت نظریات آنها است. زیرا ما به این عقیده هستیم که هر نوع راه حل باید با مشارکت خود افغان‌ها صورت بگیرد. ما از آنها خواهیم پرسید که چه چیزی عنصر اصلی یک راه حل سیاسی است.

آقای ظریف می‌گوید که در سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل و کشورهای ۲+۶ روی اصل‌های عمده توافق وجود دارد و آن این است که برای منازعه افغانستان راه حل نظامی وجود ندارد، بنا بر این ضرورت ایجاد یک حاکمیت فراگیر و چند قومی وجود دارد.

## گروه ۲+۶ بار دیگر فعال می‌شود

همچنین در جلسه اخیر این گروه در نیویورک، آقای ظریف رییس هیأت سازمان کنفرانس اسلامی گزارشی از تلاش‌های اخیر این سازمان برای جست‌وجوی راه حل مسالمت‌آمیز بحران افغانستان ارائه نمود که با استقبال اعضا مواجه گردید.

این مطلب را پس از اشتراک در جلسه نمایندگان کشورهای ۲+۶ که در نیویورک برگزار شد، بیان کرد. این جلسه که درباره افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان برگزار شده بود، وی آن را به عنوان تلاش و علاقه‌مندی گروه ۲+۶ برای حل بحران افغانستان خواند.

وی تأکید نمود که فرصت دادن به گروه ۲+۶ به معنای این نخواهد بود که همه تلاشهای صلح سازمان ملل منحصر به این گروه گردد. ما می‌توانیم مکانیزم‌های دیگری را هم بررسی کنیم. وی ۲+۶ را یک مکانیزم غیر قابل جایگزین خواند و گفت که ما باید تلاش کنیم از آن به نحو احسن استفاده کنیم.

فرانسیس وندرل، روز یازدهم حوت، به رادیو دری آمریکا گفت: ملل متحد بار دیگر حاضر شده است که به تلاشهای گروه ۲+۶ فرصت دیگری بدهد. نارضایتی دبیر کل سازمان ملل از عدم همکاری بین اعضای این گروه که از همسایگان افغانستان و روسیه و آمریکا تشکیل شده است و استعفای اخضر ابراهیمی این گمان را به وجود آورده بود که برای همیشه گروه ۲+۶ از بین رفته باشد.

آقای وندرل می‌گوید که پس از زمانی که من به عنوان نماینده سازمان ملل انتخاب شده‌ام شاهد تعهداتی از سوی کشورهای ۲+۶ برای همکاری بودم. وی

## شورای عالی ائتلاف اولین جلسه خود را برگزار کرد

متعقد هستیم که افغانستان زمانی معنا پیدا می‌کند که همه اقوام و گروه‌ها در کنار هم زندگی بکنند. در ادامه این مراسم، سه تن از اعضای شورای مرکزی ائتلاف به نمایندگی از سه جریان تشکیل دهنده، یعنی احزاب وحدت و حرکت اسلامی طی سخنانی ضمن اعلام حمایت از تشکیل ائتلاف، از تلاشهای صلح جامعه جهانی بخصوص تلاشهای اخیر سازمان کنفرانس اسلامی، برای پایان دادن به بحران افغانستان حمایت نموده و تأکید کردند که راه حل بحران افغانستان، جنگ نمی‌باشد. گفتنی است با توجه به تجربیات به دست آمده از اینگونه تلاشها، ائتلاف جدید زمانی می‌تواند موفق باشد که همه جناحها و مجموعه‌های متعلق به جامعه شیعی افغانستان را پوشش دهد.

طی مراسم ویژه‌ای با حضور مسؤولین گروه‌های شیعی افغانستانی و مسؤولین برخی از نهادهای ذیربط جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی ائتلاف، رسماً فعالیت‌های خود را آغاز کرد.

بر اساس گزارشهای رسیده در این مراسم که روز دوشنبه، نهم حوت در تهران برگزار شد، تعدادی از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی افغانستانی نیز حضور داشتند. آقای طاهریان مسؤول ستاد افغانستان در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی سخنانی ضمن تشریح اوضاع فعلی افغانستان و تلاشهای بین‌المللی صلح برای خاتمه دادن به این بحران و با اشاره به تشکیل شورای ائتلاف گفت: نمی‌شود هیچ فرد و گروهی را از این همگرایی، بیرون گذاشت و امیدوار هستیم که این حرکت منجر به یک همگرایی در تمام افغانستان گردد.

وی با اشاره به سیاستهای کشور متبوعش در قبال افغانستان افزود: سیاست ما همگرایی بین تمام برادران افغان است و

## پیام تسلیت طلاب

### مدرسه‌ی علمیه‌ی باقر العلوم (ع)

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتاً بل احياء و لكن لا تشعرون (قرآن کریم)  
سخن گفتن از شهید و عروج ملکوتی و خونین آن، کاری بس مشکل و دشوار است. زیرا؛ با این کار باید معرفت، خودگذری، شهامت و سیر الهی را ترسیم نمود. از شکوه و عظمت، درک حیات معنوی و صعود به اعلی‌ین باید تجلیل کرد. رهبر شهید با شکستن قفسه‌های تنگ زندگی مادی، پرواز به درجات عالییه و رسیدن به مقصود خویش، آرام گرفت.

ولی ملت مظلوم ورنجدیده‌ی ما را داغدار و سیاه‌پوش نمود. پنجمین سالروز شهادت پرافتخار و یاران باوفایش را به پیشگاه امام زمان (عج) و ملت ستم‌کشیده‌ی افغانستان و یار و همسنگر دیرین او، حجة‌الاسلام و المسلمین استاد عرفانی، عضو شورای رهبری دولت اسلامی و معاونت حزب وحدت اسلامی افغانستان تسلیت گفته، یکبار دیگر میثاق می‌بندیم تا برقراری عدالت اجتماعی و حکومت اسلامی، راه خونین رهبر را ادامه دهیم.

طلاب مدرسه‌ی علمیه‌ی باقرالعلوم

۷۸/۱۲/۱۸

## نمایشگاه جلوه‌های مقاومت گشایش یافت

به مناسبت فرارسیدن پنجمین سالگرد شهادت رهبر شیعیان افغانستان و یاران باوفایش به دست طالبان جنایت‌کار و وابسته اجنبی، نمایشگاهی تحت عنوان «جلوه‌های مقاومت» در موضوعات زندگی‌نامه و عکس شهدا، خطاطی، نقاشی و کارهای دستی هنرمندان مهاجر، از سوی بخش خورهران بنیاد رهبر شهید بابه مزاری در قم گشایش یافته است.

علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ ۷۸/۱۲/۱۸ تا ۷۸/۱۲/۲۲ از این نمایشگاه دیدن نمایند. لازم به یادآوری است که قبل از ظهرها مخصوص برادران و بعد از ظهرها بازدید ویژه خواهران است.

محل برگزاری نمایشگاه: خیابان امام - کوچه ۴۱ - پلاک ۴۴۳